

سورة فاتحه

مکی ۷ آیه

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی (۱)

همه ستایش ها ویژه خدا، پروردگار جهانیان است (۲) رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی (۳)
تنها او فرمانروای روز پاداش و کیفر است (۴) [پروردگارا!!] فقط تو را می پرستیم، و تنها از تو یاری
می خواهیم (۵) ما را به راه راست راهنمایی کن (۶) راه کسانی که به آنان نعمت ها [ی مادی و معنوی] عطا
کردی، که نه مورد خشم قرار گرفته اند و نه گمراهند. (۷)

سورة بقره

مدنی ۲۸۶ آیه

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

الف، لام، میم (۱) در [وحی بودن] این کتاب [باعظمت] هیچ تردیدی نیست، راهنمای پرهیزکاران [به سوی سعادت دنیا و آخرت] است (۲) آنان که غیب را باور دارند، و همواره نماز را [با شرایط ویژه اش] برپا می دارند، و از هر نعمت [مادی و معنوی] که روزی آنان کرده ایم [در راه خدا] هزینہ می کنند (۳) و به آنچه بر تو و پیش از تو نازل شده مؤمن هستند، و به آخرت یقین دارند. (۴) آنانند که از سوی پروردگارشان بر [بلندای] هدایتند، و فقط اینان که سعادت منداند. (۵)

مسئلاً برای منکران حقایق [که بر انکارشان پافشاری می کنند،] مساوی است که [از عذاب دوزخ] هشارشان دهی یا ندهی؛ قطعاً ایمان نمی آورند(۶) خداوند [به کیفر انکارشان] بر دلها و گوششان مهر [عدم فهم حقایق] زده، و بر چشمها [قلبشان] پرده ضخیمی است [که مشعل هدایت را نمی بینند]، و برای آنان عذاب بزرگی است(۷) برخی از مردم [که منافقند] می گویند: ما به خدا و روز قیامت ایمان آوردیم، درحالی که مؤمن نیستند(۸) [به گمان باطلشان] خداوند و مؤمنان را مورد نیرنگ قرار می دهند درحالی که جز به خودشان نیرنگ نمی زنند، و [زیان این نیرنگ را] درک نمی کنند(۹) در دل هایشان بیماری [سختی از نفاق است]، پس خدا [به کیفر انحرافشان] بر بیماری دل هایشان افزود، و برای آنان به سبب آن که همواره دروغ می گفتند عذاب دردناکی است(۱۰) چون به آنان گویند: در زمین تبهکاری و فتنه انگیزی نکنید، می گویند: فقط ما اصلاح گریم(۱۱) آگاه باشید! خود اینان اهل تبهکاری و فتنه انگیزی اند؛ ولی این مسئله را نمی فهمند(۱۲) چون به آنان گویند: شما هم آن گونه که دیگر مردم ایمان آوردند ایمان آورید، می گویند: آیا ما نیز مانند ابلهان ایمان آوریم؟ آگاه باشید! یقیناً خود اینان ابلهند؛ ولی [به سبب کوردلی به ابلهی خود] آگاه نیستند(۱۳) هنگامی که با مؤمنان دیدار کنند می گویند: ما [به خدا و پیامبر] مؤمن شدیم. و زمانی که با شیطان هایشان [که سران شرک و کفرند] خلوت می کنند می گویند: به یقین ما با شما مییم، جز این نیست که ما [با تظاهر به ایمان،] آنان را مورد ریشخند قرار می دهیم(۱۴) خداوند آنان را [به کیفر این عمل منافقانه] دچار عذاب [دنیا و آخرت] می کند، و در تجاوز کردنشان مهلت می دهد تا [همواره در وادی نفاقشان] سرگردان بمانند(۱۵) آنان کسانی هستند که گمراهی را به جای هدایت به دست آوردند، [در نهایت] تجارتشان هیچ سودی نکرد، و از راه یافتگان [به سوی سعادت] نبودند(۱۶)

سرگذشتشان چون سرگذشت کسانی است که [در شبی تاریک،] آتشی افروختند [تا در پرتو آن راه یابند]، چون آتش، پیرامونشان را روشن ساخت، خداوند [با توفانی سهمگین،] نورشان را نابود کرد، و آنان را در تاریکی‌هایی که جایی را نمی‌دیدند [حیران و سرگردان] رها ساخت (۱۷) آنان [از شنیدن حقایق] کر، و [از گفتن و پرسش از واقعیت‌ها] لال، و [از دیدن نشانه‌های وجود خداوند] کورند؛ به این سبب [از مسیر شیطان به راه مستقیم] باز نمی‌گردند (۱۸) یا [سرگذشت آنان] مانند [دچارشدگان به] رگباری از آسمان است که در آن رگبار، تاریکی‌های متراکم و رعد و برق [خطرناک] است، انگشتانشان را از [صدای هولناک] صاعقه‌ها به علت بیم از مرگ در گوش‌هایشان می‌گذارند [درحالی‌که راه‌گریزی از مرگ برای آنان نیست]، و خداوند به منکران [حقایق] احاطه [کامل] دارد (۱۹) نزدیک است که آن برق [درخشان، روشنی] چشم‌هایشان را برباید، هنگامی که بر آنان بتابد در پرتو آن راه می‌روند، و چون فضا را بر آنان تاریک کند می‌ایستند، و اگر خدا می‌خواست [شجویی] گوش و [بینایی] چشم آنان را به کلی نابود می‌کرد [تا برای همیشه از شنیدن حقایق هدایتگر و دیدن آثار الهی محروم گردند؛ زیرا] خداوند بر هرکاری تواناست (۲۰) ای مردم! پروردگارتان را که شما و پیشینیانتان را آفریده بندگی کنید تا به [روحیه] خودنگهداری از محرمات آراسته شوید (۲۱) پروردگاری که زمین را به سود شما بستری گسترده، و آسمان را سقفی برافراشته قرار داد، و از آسمان آبی [سودمند] فرستاد و به وسیله آن از میوه‌ها [ی فراوان]، روزی [ثمربخشی] برای شما پدید آورد، پس برای خدا همتیانی قرار ندهید درحالی‌که می‌دانید [خداوند یقیناً بی‌همتا است] (۲۲) اگر در [وحی بودن] قرآنی که ما بر بنده خود [محمد صلی الله علیه و آله] نازل کردیم شک دارید پس سوره‌ای مانند آن بیاورید، و [برای این کار] یاران همفکران [از متخصصان بزرگ زبان و ادبیات عرب] را در برابر خداوند دعوت کنید چنانچه در ادعای خویش راستگویید (۲۳) و اگر یک سوره مانند قرآن را نیاوردید، که هرگز موفق به آوردن آن نخواهید شد، نهایتاً [با ایمان به وحی بودن قرآن،] خود را از [دچارشدن به] آتشی که هیزمش انسان‌ها و سنگ‌هایند حفظ کنید؛ [آتشی] که برای منکران وحی آماده شده است (۲۴)

و به آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته [چون عبادت و خدمت به خلق] انجام داده‌اند نوید ده؛ مسلماً بهشت‌هایی ویژه آنان است که از زیر درختانش نهرها جاری است، هر زمان که از آن بهشت‌ها میوه آماده‌ای به آنان داده شود، خواهند گفت: این همان است که پیش از این روزی ما کردند. و از میوه‌های گوناگون که [در طعم و گوارایی و زیبایی] شبیه یکدیگر است نزد آنان آورده شود. و در آن جا همسرانی که [از هر آلودگی] پاکیزه‌اند در اختیار ایشان است، و در آن [بهشت‌ها] جاودانه‌اند (۲۵) بی‌تردید خداوند [برای تفهیم مطلبی به مردم] از این که به پشه و فراتر از آن [در کوچکی] مثل بزند پروا ندارد، اما مؤمنان می‌دانند که آن مثل از سوی پروردگارشان حق است، و اما کافران با حالتی تمسخرآمیز می‌گویند: خداوند از این مثل چه اراده‌ای کرده است؟ خداوند بسیاری را با آن مثل [به کیفر مسخره کردن حق] به بیراهه می‌اندازد، و بسیاری را با آن مثل [به پاداش پذیرفتن حق] هدایت می‌کند، و جز گنهکارانِ نافرمان را با آن مثل به بیراهه نمی‌اندازد (۲۶) آنان مردمی هستند که پیمان خدا را [که توحید و نبوت و تکالیف است] پس از استواری‌اش [با دلایل عقلی و علمی] می‌شکنند، و آنچه را خداوند به پیوند آن فرمان داده است [چون پیوند با پیامبران، قرآن، اهل بیت علیهم‌السلام و خویشان] قطع می‌کنند، و در زمین به تبهکاری و فتنه‌انگیزی مشغول‌اند؛ آنان تباه‌کنندگان [همه سرمایه وجودی خویش] اند (۲۷) چگونه به خداوند [ی که ذاتش جامع همه کمالات است] کفر می‌ورزید؟ درحالی که [پیش از دمیده شدن روح به کالبدتان، ترکیبی از عناصر] مرده بودید، پس خداوند به شما حیات بخشید، سپس شما را به کام مرگ می‌اندازد، آن‌گاه پس از مرگ بر شما لباس حیات می‌پوشاند، و پس از آن همه شما را به سوی او باز می‌گردانند (۲۸) آن خداوندی که همه آنچه را در زمین است به سود شما آفرید، آن‌گاه آفریدن آسمان را اراده کرد، و آن را به صورت هفت آسمان [استوار، و منظم و هماهنگ] قرار داد، و او به [قوانین و محاسبات] همه چیز داناست (۲۹)

و [به یاد آر] زمانی که پروردگارت به فرشتگان گفت: من قراردهنده جانشینی [با استعدادهای ویژه] در زمین هستم، گفتند: آیا موجودی را در زمین قرار می‌دهی که در آن به تبهکاری و فتنه‌انگیزی برخیزد، و دست به خون‌ریزی زند؟! درحالی که تو را پیوسته همراه با سپاست به پاک‌بودن از هر عیب و نقصی می‌ستاییم و تقدیس می‌کنیم. خداوند فرمود: من [از وجود این جانشین و مایه‌های کرامتش] اَسْراری می‌دانم که شما نمی‌دانید (۳۰) خداوند اسامی همه حقایق را به آدم آموخت، آن‌گاه هَوَیْت حقایق را به فرشتگان ارائه کرد و فرمود: مرا از اسامی اینان خبر دهید اگر [در ادعای خود نسبت به پُرکردن خَلَا جانشین با حمد و تسبیح و تقدیس] راستگوئید (۳۱) فرشتگان گفتند: تو از هر عیب و نقصی پاک و منزّه‌ای، ما را دانشی جز آنچه خود به ما آموخته‌ای نیست، مسلماً تو دانا و حکیمی (۳۲) خداوند گفت: ای آدم! فرشتگان را از اسامی حقایق خبر ده! چون اسامی آن‌ها را به فرشتگان خبر داد، خدا فرمود: آیا به شما نگفتم که من قطعاً غیب آسمان‌ها و زمین را می‌دانم، و به آنچه شما آشکارا انجام می‌دهید و آنچه همواره پنهان می‌داشتید دانایم؟ (۳۳) و [به یاد آر] زمانی که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید، همه فرشتگان سجده کردند مگر ابلیس که [از فرمان حق] سرپیچی کرد، و تکبر ورزید، و نهایتاً از کافران شد (۳۴) و گفتیم: ای آدم! تو و همسرت در این بهشتِ معین [که باغی از باغ‌های پُر نعمت دنیا بود] سکونت گیرید، و از هر جای آن که خواستید بی‌دغدغه و با آسایش بخورید، و به این درخت نزدیک نشوید؛ که اگر نزدیک شوید از ستمکاران [بر خود] خواهید شد (۳۵) پس شیطان هر دو را [از طریق حرص زدن بر خوردن میوه آن درخت] از بهشت دور ساخت، و آنان را از آنچه در آن بودند [چه آن باغ پُر نعمت و چه مرتبه معنوی] بیرون کرد، گفتیم: ای آدم و حوا و ابلیس! درحالی که دشمن یکدیگرید [از این جایگاه] فرود آید که برای شما در زمین قرارگاهی [جهت زندگی]، و تا مدتی معین مایه بهره‌وری اندکی خواهد بود (۳۶) پس آدم [بعد از بیرون‌شدن از بهشت]، کلماتی را [که راهی به سوی توبه بود] از پروردگارش دریافت کرد، نهایتاً پروردگار توبه‌اش را پذیرفت؛ زیرا او بسیار توبه‌پذیر و مهربان است (۳۷)

گفتیم: همه از آن مقام فرود آید! چون از سوی من هدایتی کامل برای شما آمد [بدانید] آنان که از هدایتیم پیروی کنند نه بی‌می بر آنان است، و نه اندوهگین شوند (۳۸) [اما] آنان که منکر حقایق شدند و آیات ما را تکذیب کردند اهل آتش، و در آن جاودانه‌اند (۳۹) ای بنی اسرائیل! نعمت‌هایم را که به شما عطا کردم به خاطر آورده، [قلباً مورد توجه قرار دهید]، و به پیمانم [که سفارش به بندگی و ایمان به همه پیامبران است] وفا کنید تا من هم به پیمان شما [که عمل به تورات و امید به پاداش است] وفا کنم، و فقط از من بترسید (۴۰) و به آنچه [بر پیامبر اسلام] نازل کرده‌ام که گواهی دهند [حقانیت توراتی] است که با شماست ایمان واقعی آورید، و نخستین کافر به آن نباشید [که نسل‌های پس از شما به پیروی از شما به آن کافر شوند]، و آیاتم را در تورات [که در برخی از آن‌ها اوصاف محمد صلی الله علیه و آله و قرآن است با تغییر دادنشان] در برابر بهایی اندک نفروشید، و تنها از من پروا کنید (۴۱) و حق را با باطل [به وسیله زبان‌بازی و حيله‌گری] مخلوط و مبهم نسازید [تا تشخیص آن بر جویندگان حق دشوار گردد]، و حق را [که قرآن و پیامبر] است از مردم پنهان نکنید در حالی که به آن دانا هستید (۴۲) و نماز را [با شرایط ویژه‌اش] برپا دارید، و زکات بپردازید، و همراه رکوع‌کنندگان رکوع کنید؛ [که نماز به جماعت دارای ارزش بیشتری است] (۴۳) آیا مردم را به نیکی کردن فرمان می‌دهید و [وظیفه] خود را [در این زمینه] به فراموشی می‌سپارید؟ در حالی که تورات را [که به نیکی کردن دعوتتان کرده] قرائت می‌کنید، آیا [به سرانجام خسارت‌بار خود] اندیشه نمی‌کنید؟ (۴۴) از روحیه شکیبایی [در برابر حوادث]، و از نماز [برای حل مشکلات و پاک‌شدن از آلودگی‌ها] یاری نخواهید، انجام این کار جز بر کسانی که [در برابر حضرت حق] دلی فروتن دارند آسان نیست (۴۵) [آنان] کسانی هستند که یقین دارند ملاقات‌کننده پروردگارشان خواهند بود، و مسلماً به سوی او باز می‌گردند (۴۶) ای بنی اسرائیل! نعمت‌هایم را که به شما عطا کردم به خاطر آورده، [قلباً مورد توجه قرار دهید]، و اینکه شما را بر جهانیان [زمان خودتان به سبب معجزات موسی و نزول تورات] برتری دادم [به یاد آرید] (۴۷) و خود را از [خطرها و خسارت‌های] روزی حفظ کنید که نه کسی از کسی عذابی را برطرف می‌کند، و نه از کسی در مورد گنه‌پیشگان شفاعتی می‌پذیرند، و نه از کسی برای بخشیده‌شدن گناهانش غرامت و تاوان می‌گیرند، و نه [برای نجات از عذاب دوزخ] حمایتشان می‌کنند (۴۸)

و [ای بنی اسرائیل! به یاد آرید] زمانی که شما را از حکومت ظالمانهٔ فرعونیان نجات دادیم؛ آنان که همواره شما را به شدیدترین وضع شکنجه می‌کردند، پسرانتان را سر می‌بریدند و زنانتان را [برای بیگاری و خدمت‌کاری] زنده می‌گذاشتند، برای شما در آن بلاها، آزمایشی بزرگ از سوی پروردگارتان بود (۴۹) و [به یاد آرید] هنگامی که [به قدرت خود] دریا را برای شما شکافتیم، و شما را نجات داد، [به خشکی رساندیم]، و فرعونیان را درحالی که تماشا می‌کردید غرق کردیم (۵۰) و [به یاد آرید] زمانی که با موسی [برای نزول تورات]، چهل شب وعده گذاشتیم، سپس شما بعد از رفتنش [به طور]، گوساله را معبود خود قرار دادید درحالی که [با این عمل]، ستمکار بودید (۵۱) آن‌گاه پس از آن [عمل ستمکارانه] از شما درگذشتیم برای آن که [نعمت قبول توبه و بازگشت به توحید را] سپاس‌گزاری کنید (۵۲) و [به یاد آرید] هنگامی که به موسی کتاب و میزان [جداکنندهٔ حق از باطل] عطا کردیم تا هدایت یابید [و به سعادت ابدی برسید] (۵۳) و [به یاد آرید] زمانی که موسی به قومش گفت: ای قوم من! بی‌تردید شما با معبود قراردادن گوساله، به خود ستم کردید، پس به‌سوی آفرینندهٔ خود بازگردید، و [افرادی از] خودتان را [که به پرستش گوساله پرداختند] بکشید که این [کار] برای شما در پیشگاه آفریدگارتان بهتر است. خداوند [پس از آن] توبهٔ شما را پذیرفت؛ زیرا او بسیار توبه‌پذیر و مهربان است (۵۴) و [به یاد آرید] زمانی که به موسی گفتید: ای موسی! هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم مگر این که خدا را با چشم خود به‌صورتی آشکار ببینیم. پس [به سبب این درخواست بیجا] درحالی که نظاره می‌کردید صاعقهٔ مرگبار شما را گرفت (۵۵) آن‌گاه شما را بعد از مردنتان برانگیختیم تا سپاس‌گزاری کنید (۵۶) و [در صحرای سوزان سینا] ابر را بر بالای سرتان سایبان قرار دادیم، و برای شما انگبین و پرنده سلوی فرستادیم [و گفتیم]: از خوراکی‌های دلپذیر که روزی شما کردیم بخورید. آنان [با طغیان و ناسپاسی خود] بر ما ستم نکردند؛ بلکه همواره بر خود ستم می‌ورزیدند (۵۷)

و [به یاد آرید] هنگامی که به شما گفتیم: به این شهر [بیت المقدس] وارد شوید و [از نعمت هایش] از هر جای آن که خواستید بی دغدغه و با آسایش بخورید، و فروتنانه از دروازه شهر درآیید و بگویید: [پروردگارا! خواسته ما] آمرزش همه گناهان و خلاف کاری های ما [است] تا گناهانتان را ببامرزیم، و ما قطعاً بر پاداش نیکوکاران می افزاییم (۵۸) ولی ستمکاران سخنی را که باید به فرمان ما می گفتند [پس از ورود به شهر] به سخنی دیگر [که درخواست امور مادی و مسائل پست بود] تغییر دادند، ما هم بر ستمکاران به سبب آن که همواره نافرمانی می کردند عذابی از آسمان فرود آوردیم (۵۹) و [به یاد آرید] آن گاه که موسی برای قومش درخواست آب کرد، گفتیم: عصایت را بر این سنگ بزن! در نتیجه دوازده چشمه از آن جاری شد که هر تیره ای [از دوازده تیره بنی اسرائیل] چشمه مربوط به خود را شناخت، [گفتیم:] از روزی ویژه خداوند بخورید و بیاشامید و در زمین فتنه نکنید و به فساد ادامه ندهید [که کاری بسیار زشت است] (۶۰) و [به یاد آرید] زمانی که گفتید: ای موسی! ما هرگز بر یک نوع غذا [که سالهاست خدا در بیابان برای ما می فرستد] شکیبایی نمی کنیم، از پروردگارت درخواست کن تا از آنچه زمین می رویاند از سبزی، خیار، سیر، عدس و پیازش را برای ما آماده کند؟! موسی گفت: آیا شما می خواهید غذای بهتر را به غذای پست تر تغییر دهید؟ [با این خواسته بیجا] به شهری درآیید که در آن آنچه را خواستید برای شما آماده است. نهایتاً خواری و مسکنت فراگیری بر آنان مقرر شد، و به خشم خداوند [که مستحق آن بودند] دچار شدند، این [سه کیفر] برای این بود که آنان همواره منکر آیات خدا می شدند، و ستمکارانه پیامبران را می کشتند، سبب [این همه جنایاتشان] این بود که [از فرمان های من] سرپیچی داشتند، و پیوسته [از حدود حق] تجاوز می کردند (۶۱)

مسئلاً کسانی که [به ظاهر] ایمان آوردند، و نیز یهودی‌ها و نصرانی‌ها و صابئی‌ها، هرکدامشان که [قلباً] به خدا و روز قیامت مؤمن شوند و کار شایسته انجام دهند برای آنان نزد پروردگارش پاداشی شایسته است، نه بیمی بر ایشان است، و نه اندوهگین شوند (۶۲) و [ای بنی اسرائیل! به یاد آرید] هنگامی که از شما [بر پیروی حق] پیمان گرفتیم، و کوه طور را بالای سرتان برافراشتیم، [و گفتیم: آنچه را [برای هدایتان چون تورات] به شما داده‌ایم با قوت فراگیرید [و با قدرت عمل کنید،] و آیاتی که در آن است [برای به کار بستن، قلباً] مورد توجه قرار دهید تا به روحیه خودنگهداری از محرمات آراسته شوید (۶۳) آن‌گاه بعد از پیمان‌گرفتن، از وفای به آن سرپیچی کردید، و اگر احسان و رحمت خدا بر شما نبود قطعاً از تباہ‌کنندگان [همه سرمایه وجودی خود] بودید (۶۴) بی‌تردید شما به سرگذشت گروهی از هم‌مسلمانان خود که در روز شنبه [از فرمان خدا در مورد حرمت صید ماهی] سرپیچی کردند آگاه بودید، که ما [به کیفر سرپیچی‌کردنشان] به آنان نهیب زدیم که؛ به‌صورت بوزینگانی پست و رانده‌شده درآید! (۶۵) در نهایت، آن کیفر را درس عبرتی برای آنان که شاهد حادثه بودند و کسانی که پس از آنان می‌آیند، و پندی برای خودنگهداران از محرمات قرار دادیم (۶۶) و [به یاد آرید] هنگامی که موسی به قومش گفت: خداوند به شما فرمان می‌دهد گاو را ذبح کنید، گفتند: آیا ما را به ریشخند گرفته‌ای؟! گفت: به خداوند پناه می‌برم از این‌که از بی‌خبران [از حدود ادب] باشم (۶۷) گفتند: از پروردگارت بخواه برای ما توضیح دهد که آن، چه گاو باشد؟ موسی گفت: خداوند می‌فرماید: آن گاو است نه پیر از کار مانده، و نه تازه‌جوان، بلکه گاو است میان این دو نوع، پس آنچه را به شما فرمان داده‌اند انجام دهید (۶۸) گفتند: از پروردگارت بخواه برای ما توضیح دهد رنگش چه باشد؟ موسی گفت: خداوند می‌فرماید: گاو است به رنگ زرد روشن که رنگش بینندگان را شاد می‌کند (۶۹)

گفتند: از پروردگارت بخواه برای ما توضیح دهد نهایتاً آن چگونه گاوی است؟ زیرا [ویژگی‌های] آن گاو بر ما مشتبه و مبهم شده، و اگر خدا بخواهد به [شناخت] آن هدایت خواهیم شد (۷۰) موسی گفت: خداوند می‌فرماید: گاوی است که نه رام است تا زمین را شیار کند، و نه آبیاری زراعت بر عهده‌اش باشد، گاوی است سالم، رنگش [زرد روشن] یکدست. [بنی اسرائیل] گفتند: اکنون حق را برای ما آشکار ساختی. در نتیجه [به جست‌وجوی گاو برخاسته]، آن را [یافته و] ذبح کردند درحالی‌که نزدیک بود [بر اثر لجاجتِ شدید و خرده‌گیری فراوان] فرمان خدا را به کار نیندند (۷۱) و [به یاد آرید] هنگامی که شخصی را کشتید و درباره [قاتل] او به اختلاف و نزاع دچار شدید، و خداوند آشکارکننده واقعه‌ی بود که [در این حادثه] پنهان می‌کردید (۷۲) پس گفتیم: پاره‌ای از آن [گاو ذبح‌شده] را به مقتول بزنید [تا زنده شود و قاتلش را معرفی کند]، خداوند این‌گونه، مردگان را زنده می‌کند، و دلایل [قدرت و ربوبیت] خود را به شما نشان می‌دهد تا [برای درک حقایق] بیندیشید (۷۳) سپس دل‌های شما بعد از آن [همه معجزه شگفت‌انگیز] چون سنگ یا سخت‌تر از سنگ دچار قساوت شد، [آری سخت‌تر از سنگ]؛ زیرا از برخی سنگ‌ها نهرها جاری می‌شود، و بعضی از آن‌ها می‌شکافد و از آن آب بیرون می‌آید، و پاره‌ای از آن‌ها از ترس خدا از بلندی سقوط می‌کند، [اما دل‌های شما از هیچ معجزه و موعظه‌ای اثر نمی‌گیرد، ولی بدانید که] خداوند از آنچه انجام می‌دهید بی‌خبر نیست (۷۴) آیا [شما مردم مؤمن] امید دارید که [یهودیان سخت‌دل روزگارتان] به [اسلام] شما ایمان بیاورند؟ درحالی‌که گروهی از آنان کلام خدا را همواره می‌شنیدند، سپس بعد از آن‌که مفهومش را درک می‌کردند [به خاطر هواپرستی به دلخواه خود] تغییرش می‌دادند، در صورتی‌که می‌دانستند [به کلام خدا و مردم جویای حق خیانت می‌کنند] (۷۵) هنگامی که [این سخت‌دلان] با اهل ایمان دیدار کنند می‌گویند: ما ایمان آوردیم. و چون با هم خلوت می‌کنند [از روی اعتراض به یکدیگر] می‌گویند: آیا حقایقی که خداوند [در تورات دربارۀ] ^{محمّد صلی الله علیه وآله} [برای شما توضیح داده به اهل ایمان خبر می‌دهید تا [روز قیامت] در پیشگاه پروردگارتان بر ضد شما استدلال کنند؟ آیا نمی‌اندیشید [که نباید راه استدلال بر ضد خود را در اختیار مؤمنان گذارید]؟! (۷۶)

آیا [این سخت‌دلان] نمی‌دانند که خداوند آنچه را که [از حقایق] پنهان می‌دارند و آنچه را آشکار می‌کنند می‌داند؟ (۷۷) گروهی از یهود، اشخاص بی‌سواد هستند که [به سبب بی‌سوادی،] تحریف‌ها و دروغ‌های واردشده در تورات را [به‌وسیله عالمان دنیاپرستان] به عنوان کتاب آسمانی می‌شناسند، و اینان جز خیال‌پردازانی [سبک‌سر] نیستند (۷۸) پس وای بر کسانی که نوشته‌ای را از نزد خود [به عنوان آیات تورات] می‌نویسند، سپس می‌گویند: این آیات از سوی خداست، تا با این [کار زشت] خائنانه [بهایی اندک به دست آورند! پس عذاب شدید بر آنان از آنچه دست‌هایشان [با تکیه بر هوای نفسشان] نوشت! و حسرت هلاکت بر آنان از آنچه [از رشوه و مال حرام] به دست می‌آورند! (۷۹) و [یهودیان] گفتند: آتش دوزخ جز چند روزی به ما نمی‌رسد. بگو: آیا [بر این عقیده خود] از نزد خدا پیمانی تخلف‌ناپذیر گرفته‌اید؟ یا از روی نادانی چیزی را به خداوند نسبت می‌دهید؟ (۸۰) [چنین نیست که می‌گویید،] بلکه آنان که مرتکب گناه شدند و گناه سراسر وجودشان را فرا گرفت اهل آتشند، و در آن جاودانه‌اند (۸۱) و آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند اهل بهشتند، و در آن همیشگی‌اند (۸۲) و [به یاد آرید] زمانی که از بنی‌اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و از کار افتادگان نیکی کنید، و با مردم با خوش‌زبانی سخن گوید، و نماز را [با شرایط ویژه‌اش] برپا دارید، و زکات بپردازید. سپس همه شما جز اندکی، [از پیمان خدا] رویگردان شدید، و شما [عادماً] رویگردان هستید (۸۳)

و [به یاد آرید] زمانی که از شما پیمان استوار گرفتیم که خون یکدیگر را نریزید، و همدیگر را از خانه‌های خود آواره نکنید. آن‌گاه [به پیمانتان] اقرار کردید، و خود بر آن گواهی می‌دهید (۸۴) سپس این شما هستید که یکدیگر را می‌کشید و گروهی از خودتان را از خانه‌هایشان آواره می‌کنید، درحالی‌که به سبب گناه و تجاوز، یکدیگر را بر ضد آوارگان باری می‌دهید، و اگر آنان در حال اسارت نزد شما آیند با پرداختِ غرامت و تاوان، آزادشان می‌کنید در صورتی‌که آواره‌کردنشان بر شما حرام بود. آیا به بخشی از [آیات و احکام] تورات مؤمن هستید و منکر بخشی دیگر می‌باشید؟ [به طوری که حرام بودن جنگ با یکدیگر و آواره‌نمودن مردم را که قانون خداست مردود دانسته، و وجوب آزادکردن اسیران را قبول دارید!] پس کیفر کسانی از شما که تبعیض در آیات خدا را رومی‌دارند جز خواری در زندگی دنیا نیست، و روز قیامت به‌سوی سخت‌ترین عذاب بازشان می‌گردانند، و خداوند از آنچه انجام می‌دهید بی‌خبر نیست (۸۵) اینان کسانی هستند که زندگی [زودگذر] دنیا را به [بهای ازدست‌دادن] آخرت [ابدی] خریدند، از این جهت نه عذابشان سبک می‌گردد، و نه برای نجات از عذاب حمایتشان می‌کنند (۸۶) به یقین ما به موسی کتاب دادیم، و پس از او پیامبرانی به دنبال هم فرستادیم، و به عیسی بن مریم دلایل آشکار عطا کردیم، و او را به وسیله روح القدس توانایی بخشیدیم، پس چرا هرگاه پیامبری آیین خدا را که دلخواه و هماهنگ با خواسته‌های نامعقولتان نبود برای شما آورد سرکشی کردید؟ و نهایتاً [نبوت] گروهی را منکر شدید، و گروهی را کشتید؟! (۸۷) و [یهودیان به پیامبر] گفتند: دل‌های ما در پوششی سخت است [به این سبب قرآن و کلام تورا درک نمی‌کنیم. ولی چنین نیست،] بلکه خداوند به سبب کفرشان آنان را از عرصه توفیق و رحمتش رانده، [در نتیجه از پذیرفتن اسلام سرپیچی می‌کنند،] پس اندکی از شما ایمان می‌آورند (۸۸)

چون برای آنان از سوی خداوند کتابی [هدایتگر که] تصدیق‌کننده [حقانیت] تورات همراهشان است آمد، و همواره پیش از نزولش به خودشان [در سایه ایمان به آن] مژده پیروزی بر کافران می‌دادند، [اما] چون قرآن که [قبل از نزولش] آن را [با پیش‌گویی تورات] می‌شناختند به‌سویشان آمد آن را انکار کردند، پس لعنت خدا بر منکران باد! (۸۹) بد چیزی است آنچه خود را به آن فروختند! و آن کفرورزی از روی حسادت به کتابی است که خدا [بر محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله] نازل کرده، [معترضانه می‌گویند: چرا] خداوند از باب احسانش به هرکه از بندگانش بخواهد کتاب آسمانی نازل می‌کند؟! پس آنان به خشم پی‌درپی خداوند که مستحق آن بودند دچار شدند، و برای منکران [قرآن و پیامبر] عذابی خوارکننده است (۹۰) چون به آنان گویند: به قرآنی که خداوند [بر پیامبر اسلام] نازل کرده ایمان آورید! می‌گویند: فقط به توراتی که بر خود ما [یهودیان] نازل شده ایمان داریم. و به غیر آن، که کتابی حق و گواهی‌دهنده حقانیت توراتی است که با آن‌ها است کفر می‌ورزند، بگو: اگر شما [از روی حقیقت و راستی] مؤمن [به تورات] بودید پس چرا پیش از این پیامبران خدا را می‌کشتید؟! (۹۱) همانا موسی برای شما معجزات و دلایل روشن آورد، سپس شما بعد از [رفتن] او [به کوه طور] گوساله را معبود خود قرار دادید درحالی‌که ستمکار بودید! (۹۲) و [به یاد آرید] زمانی که از شما [برای پیروی از حق] پیمان گرفتیم و کوه طور را بر فرازتان بالا بردیم [و گفتیم]: آنچه را [از کتاب و نبوت] به شما عطا نمودیم با قدرت فراگیرید و [با گوش‌پذیرش] بشنوید! گفتند: شنیدیم و [اما چون شنیدنشان واقعی نبود عملاً] [اعلام عصیان و نافرمانی کردند، [آری] به سبب کفرشان [دوستی] گوساله در [همه زوایای] دلشان پر شد، بگو: اگر شما اهل ایمان هستید [این چه ایمانی است که این‌همه ظلم و فساد ایجاد می‌کند؟! پس بد چیزی است آنچه ایمانتان به آن فرمان می‌دهد! (۹۳)

بگو: اگر [می‌پندارید که] سرای [پُر نعمت] آخرت در پیشگاه خداوند ویژه شماست نه مردم دیگر، چنانچه در این ادعا راستگوییید آرزوی مرگ کنید! (۹۴) آنان به سبب گناهایی که مرتکب شده‌اند هرگز آرزوی مرگ نمی‌کنند، و خدا به [همه اعمال و حالات] ستمکاران داناست (۹۵) هرآینه آنان را حریص‌ترین مردم، حتی حریص‌تر از مشرکان به زندگی [بسیار طولانی] خواهی یافت، هر یک از آنان آرزومند است که ای‌کاش هزارسال عمرش دهند! ولی عمر هزار ساله [به فرضی که به دست آورد] دورکننده او از عذاب نیست، و خداوند به آنچه انجام می‌دهند داناست (۹۶) [آنان که با جبرئیل به خاطر نزول وحی بر تو دشمنند،] بگو: هر که دشمن جبرئیل است [دشمن خداست؛ زیرا] او قرآن را به خواست خدا بر قلب تو نازل کرده است در حالی که گواهی‌دهنده حقانیت [کتاب‌های آسمانی] پیش از خود، و هدایتگر و مؤده‌دهنده [به فرجام نیک] برای مؤمنان است (۹۷) هر کس با خداوند و فرشتگان و رسولانش و جبرئیل و میکائیل دشمن باشد [یقیناً کافر است،] و قطعاً خدا دشمن کافران است (۹۸) همانا به سوی تو آیاتی روشن نازل کردیم، و به آن آیات جز منحرفان نافرمان، کافر نمی‌شوند (۹۹) آیا چنین نیست که هرگاه [یهودیان] پیمانی [با خدا و پیامبران] بستند گروهی از آنان پیمان را شکستند؟ [آنان نه فقط پیمان‌شکنند،] بلکه بیشترشان ایمان نمی‌آورند (۱۰۰) و هنگامی که پیامبری [چون محمد صلی الله علیه و آله] از سوی خداوند به سویشان آمد که تصدیق‌کننده [حقانیت] کتاب آسمانی همراه آنان است، گروهی از عالمان یهود، آیات تورات را [که بیانگر اوصاف پیامبر اسلام بود] ترک کرده، [و به آن چنان بی‌اعتنا شدند] که گویی خبر ندارند [که ویژگی‌های پیامبر در تورات است] (۱۰۱)

و [یهودیان بی تقوا] از علم سحری که شیاطین بر ضد حکومت سلیمان برای مردم می خواندند، [و نیز خود آن حضرت را متهم به ساحری می کردند] پیروی کردند، [سلیمان هرگز سراغ سحر نرفت،] مسلماً سلیمان کافر نشد؛ این شیاطین بودند که به سبب آموزش سحر به مردم کافر شدند. و [نیز یهودیان از] آنچه بر دو فرشته هاروت و ماروت در شهر بابل نازل شد [پیروی کردند،] درحالی که آن دو فرشته به هیچ کس علم سحر نمی آموختند مگر آن که [به او] می گفتند: ما فقط مایه آزمایشیم، [و علم سحر را برای ابطال سحر ساحران به تو تعلیم می دهیم،] پس [با به کارگیری آن در موارد حرام،] کافر مشوا ولی آنان از آن دو فرشته مطالبی [از سحر] می آموختند که به وسیله آن میان مرد و همسرش جدایی می انداختند، درحالی که آنان به وسیله آن سحر جز به خواست خدا قدرت زیان رساندن به کسی را نداشتند. یهودیان همواره چیزی را می آموختند که به آنان آسیب می زد و سودی نمی بخشید، و یقیناً می دانستند که هرکه خریدار سحر باشد هیچ بهره ای در آخرت ندارد؛ اگر دانا [ی به حقایق] بودند می دانستند بد چیزی است علم سحری که خود را به آن فروختند (۱۰۲) چنانچه یهودیان [از روی راستی و درستی] مؤمن می شدند و [از روی آوردن به سحر و ساحری] اجتناب می کردند مسلماً پاداشی که از سوی خدا مقرر است برای آنان بهتر بود، اگر دانا بودند [قطعاً پاداش الهی را انتخاب می کردند] (۱۰۳) ای اهل ایمان! [به پیامبر] کلمه «راعنا» را [که نزد یهود دشنام است و نزد شما به معنای مهلت دادن است] نگوئید! و [به جای آن] بگوئید: «أُنظَرنا» [که به همان معنای مهلت دادن است]، و [دستورهای خدا و پیامبرش را به نیت اطاعت کردن] بشنوید! یقیناً برای کافران عذابی دردناک خواهد بود (۱۰۴) نه کافران از اهل کتاب و نه مشرکان دوست ندارند که مطلقاً خیری از سوی پروردگارتان بر شما نازل شود، اما خداوند [بر خلاف خواسته آنان] رحمتش را به هرکه بخواهد اختصاص می دهد، و خدا دارای احسان بزرگی است (۱۰۵)

هر حکمی از احکام را که [بنا بر مصلحتی] از دایره تکلیف و مسئولیت انسان حذف و مُلغی کنیم، یا آن را [به علتی] به تأخیر اندازیم، بهتر از آن یا ماندش را می‌آوریم، آیا ندانسته‌ای که خداوند بر هر کاری تواناست؟ (۱۰۶) آیا ندانسته‌ای که فرمانروایی بر آسمان‌ها و زمین فقط در سیطره اوست؟ [و به این علت، تغییر و تأخیر احکام در حیطة مصلحت‌خواهی و حکومت او می‌باشد،] و شما را به غیر از خدا [که همه امور به دست اوست] هیچ سرپرست و یاورى نیست (۱۰۷) آیا [با علم به حاکمیت مطلق حق و مصلحت‌خواهی او] می‌خواهید از پیامبرتان [اموری نامعقول] درخواست کنید؛ همان‌گونه که پیش از این از موسی درخواست شد؟ و هرکس کفر را جایگزین ایمان کند قطعاً راه راست را گم کرده است (۱۰۸) بسیاری از اهل کتاب پس از آن که حق برای آنان روشن شد به سبب حسدی که در وجودشان شعله‌ور است دوست دارند شما را پس از ایمانتان به کفر بازگردانند، اکنون [از نزاع و جدال با آنان] گذشت کنید، و [از آنان] روی بگردانید تا خدا فرمانش را [به جنگ یا جزیه] اعلام کند، یقیناً خدا بر هر کاری تواناست (۱۰۹) نماز را [با شرایط ویژه‌اش] برپادارید و زکات بپردازید! و آنچه از کار نیک [چون عبادت و خدمت به خلق] برای خود پیش فرستید آن را نزد خداوند خواهید یافت؛ مسلماً خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست (۱۱۰) و [اهل کتاب] گفتند: هرگز کسی وارد بهشت نمی‌شود مگر آن که یهودی یا نصرانی باشد. این آرزوهای [بی‌پایه و باطل] آنان است، بگو: اگر [در ادعای خود] راستگوئید دلیل خود را بیاورید (۱۱۱) [سخن مستدل و استوار این است؛] آری، کسانی که وجودشان را تسلیم خدا کنند در حالی که نیکوکارند، برای آنان نزد پروردگارشان پاداشی [شایسته] است، نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند (۱۱۲)

یهودیان گفتند: نصرانی‌ها بر آیین درست و استواری نیستند. و نصرانی‌ها گفتند: یهودیان را آیین درست و استواری نیست. در حالی که همه آنان تورات و انجیل را می‌خوانند [و می‌دانند بر اساس آیات آن دو کتاب، اتهامشان بر یکدیگر باطل است]. و نیز کسانی [چون مشرکان] که حقایق را نمی‌شناسند [در باره همه ادیان توحیدی] سخنی مانند یهود و نصاری گفتند، نهایتاً خداوند در قیامت بین آنان درباره آنچه همواره با هم اختلاف داشتند داوری می‌کند (۱۱۳) چه کسانی ستمکارتر از مردمی هستند که با منع ورود مسلمانان به مساجد خدا از برده‌شدن نام خدا [در آن مکان‌های معنوی] جلوگیری کردند، و در ویرانی آن‌ها کوشیدند؟ آنان را شایسته نیست که در آن مساجد جز در حال ترس [از انتقام خدا و خشم و کيفر مؤمنان] درآیند، برای آنان در دنیا خواری و در آخرت عذابی بزرگ است (۱۱۴) مالکیت شرق و غرب فقط ویژه خداست پس به هر کجا رو کنید آن‌جا به سوی خداست، مسلماً خدا بسیار عطاکننده و داناست (۱۱۵) و [یهود و نصاری] گفتند: خدا فرزندی برای خود انتخاب کرده، در حالی که او از داشتن فرزند منزّه است، بلکه آنچه در آسمان‌ها و زمین است مخلوق و مملوک اوست، و همه موجودات در برابر او فرمانبردارند (۱۱۶) [بدون سابقه ماده و نقشه و ابزار]، پدید آورنده آسمان‌ها و زمین است، و زمانی که [به وجود آمدن] چیزی را اراده کند، فقط به آن می‌گوید: باش! پس بی‌درنگ موجود می‌شود (۱۱۷) کسانی که دانای به حقایق نیستند گفتند: چرا خداوند با ما سخن نمی‌گوید یا آیه‌ای برای ما نمی‌آید؟ گذشتگان‌شان نیز مانند سخن اینان را گفتند، دل‌هایشان [در قساوت و لجاجت] شبیه یکدیگر است، به‌یقین ما [به اندازه لازم و در حد هدایت‌شدن] آیات را برای اهل باور بیان کرده‌ایم (۱۱۸) قطعاً ما تو را بر پایه درستی و راستی بشارت‌دهنده و بیم‌رسان فرستادیم، و تو [پس از ابلاغ پیام خداوند] مسئول [ایمان‌نیاوردن و وضع و حال] دوزخیان نیستی (۱۱۹)

یهود و نصاری هرگز از تو راضی نمی‌شوند مگر آن‌که از آیین آنان پیروی کنی، بگو: یقیناً هدایتِ خدا فقط هدایتِ واقعی است. اگر پس از دانشِ کاملی که [چون قرآن] برایت آمده از خواسته‌های نامشروع آنان پیروی کنی در مقابله با خداوند هیچ یار و یاورى برایت نخواهد بود (۱۲۰) کسانی که کتاب آسمانی عطایشان کرده‌ایم و آن را به‌گونه‌ای که شایسته آن است تلاوت می‌کنند؛ [تلاوتی با تدبّر و برای عمل کردن،] آنان مؤمن [واقعی] به آن هستند، و کسانی که منکر آن می‌شوند، تباه‌کنندگان [همه سرمایه و جودی خویش] اند (۱۲۱) ای بنی اسرائیل! نعمت‌هایم را که به شما عطا کردم به‌خاطر آورده، [قلباً مورد توجه قرار دهید،] و این‌که شما را بر جهانیان [زمان خودتان به سبب معجزات موسی و نزول تورات] برتری دادم [به یاد آرید] (۱۲۲) و خود را از [خطرها و خسارت‌های] روزی حفظ کنید که نه کسی از کسی عذابی را برطرف می‌کند، و نه از کسی برای بخشیده‌شدن گناهانش غرامت و تاوان می‌پذیرند، و نه کسی را شفاعتی سود دهد، و نه [برای نجات از عذاب دوزخ] حمایتشان می‌کنند (۱۲۳) و [به یاد آرید] هنگامی که ابراهیم را پروردگارش به تکالیفی بسیار مهم [از انواع اوامر و نواهی و حوادث] آزمایش کرد، پس او همه را به‌طور کامل انجام داد، [پروردگارش به سبب سرافراز بیرون‌آمدنش از امتحان، به او] فرمود: من تو را برای همه مردم پیشوا قرار دادم. ابراهیم گفت: از دودمانم [نیز پیشوایانی برگزین]. خداوند فرمود: عهد من [که مقام والای امامت است] به ستمکاران نمی‌رسد (۱۲۴) و [به یاد آرید] زمانی که ما خانه کعبه را برای همه مردم محل دیدار و اجتماع و جایگاه امن قرار دادیم و [گفتیم:] از مقام ابراهیم جایگاه نماز انتخاب کنید! و به ابراهیم و اسماعیل سفارش کردیم که خانه‌ام را برای طواف‌کنندگان و معتکفان و اهل رکوع و سجده‌گزاران [از هر آلودگی ظاهری و باطنی] پاکیزه بدارید! (۱۲۵) و [به یاد آرید] آن‌گاه که ابراهیم گفت: ای پروردگارم! این [مکان] را شهری امن قرار ده، و از اهل آن کسانی را که به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشند از هر نوع میوه، نصیبی عطا کن. خداوند فرمود: [دعایت را درباره مؤمنان اجابت کردم،] ولی هر که به کفر گراید بهره اندکی به او می‌دهم، آن‌گاه او را به عذاب آتش می‌کشانم، و آتش عاقبت بدی است (۱۲۶)

و [به یاد آرید] هنگامی که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه کعبه را بالا می‌بردند، [در آن حال به پیشگاه خداوند می‌گفتند: پروردگارا! [این عمل را] از ما بپذیر که تو شنوا [ی دعا] و دانا [ی به حقیقت عمل] هستی. (۱۲۷) پروردگارا! ما را [با همه وجود] تسلیم خود قرار ده، و نیز از دودمان ما امتی که تسلیم تو باشند [پدید آور]، و راه و رسم عبادت‌مان را به ما نشان ده! و توبه ما را بپذیر که تو بسیار توبه‌پذیر و مهربانی (۱۲۸) پروردگارا! در بین آنان [که در این منطقه قرار می‌گیرند] پیامبری از خودشان برانگیز که آیات را بر آنان تلاوت کند، و کتاب و معارف استوار و سودمند تعلیمشان دهد، و [از هر نوع آلودگی] پاکشان سازد؛ زیرا تو توانای شکست‌ناپذیر و حکیمی (۱۲۹) از آیین ابراهیم چه کسی روگردان می‌شود جز آن که خود را به ابلهی واداشته؟! به یقین ما ابراهیم را در دنیا به عنوان بنده‌ای خالص انتخاب کردیم، و او مسلماً در آخرت از شایستگان است (۱۳۰) [به یاد آرید] زمانی که پروردگارش به او گفت: تسلیم باش! گفت: تسلیم پروردگار جهانیان شدم (۱۳۱) و ابراهیم و یعقوب پسرانشان را به تسلیم بودن در برابر خداوند سفارش کردند که: ای پسران من! یقیناً خداوند این دین را برای شما برگزیده، پس شما باید جز درحالی که تسلیم او باشید نمیرید (۱۳۲) آیا [شما یهودیان که ادعا می‌کنید یعقوب پسرانش را به آیین یهودیت سفارش کرد] هنگامی که مرگ یعقوب فرارسید کنار او حاضر بودید؟ آن‌گاه که به پسرانش گفت: پس از من چه چیزی را می‌پرستید؟ گفتند: معبود تو و معبود پدرانت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را که معبود یگانه است می‌پرستیم، و ما تسلیم او هستیم (۱۳۳) آنان گروهی بودند که درگذشتند، آنچه از عمل به دست آوردند و یثوره خود آنان است، و آنچه شما به دست آوردید اختصاص به خودتان دارد، و شما در برابر آنچه آنان انجام می‌دادند مورد بازخواست نخواهید بود (۱۳۴)

و [اهل کتاب به مسلمانان ثابت قدم] گفتند: یهودی یا نصرانی شوید تا هدایت یابید. [ای پیامبر! تو به هر دو طایفه] بگو: بلکه از آیین ابراهیم یکتاپرست که از مشرکان نبود پیروی می‌کنیم (۱۳۵) [شما ای اهل ایمان! با صدای رسا] بگویید: ما به خداوند و آنچه به‌سویمان نازل شده، و به آنچه به سوی ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان [آراسته به مقام نبوت] آنان فرستاده شده، و به آنچه به موسی و عیسی، و آنچه به پیامبران از ناحیه پروردگارشان عطا شده ایمان آوردیم، بین هیچ‌یک از آنان [در این‌که پیامبر خدایند] تفاوتی قائل نیستیم، و ما در برابر خداوند تسلیم هستیم (۱۳۶) پس اگر [اهل کتاب] به مانند آنچه شما ایمان آورده‌اید [چون ایمان به خدا، و پیامبران و قیامت] ایمان بیاورند قطعاً هدایت یافته‌اند، و اگر [از حقایق الهی] روی برتابند جز این نیست که در ستیز و دشمنی [با حق] هستند، پس به‌زودی خداوند تو را از شرّ آنان نجات خواهد داد، و خداوند شنوا [ی دعا] و دانا [ی به همه امور] است (۱۳۷) [به اهل کتاب] بگو: به [رنگ خدا] که همان دین واقعی است پایبند باشید، [و چه کسی رنگش نیکوتر از رنگ خداست؟ ما فقط پرستش‌کنندگان او هستیم (۱۳۸)] [به اهل کتاب] بگو: آیا با ما درباره خداوند گفت‌وگو [ی نادرست و بی‌دلیل] می‌کنید؟ درحالی‌که او پروردگار ما و شماست، اعمال ما [در پیشگاه او] ویژه ماست، و اعمال شما مخصوص به خود شماست، و ما [در ایمان و عمل] برای او اخلاص می‌ورزیم (۱۳۹) یا می‌گویند: ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان [آراسته به مقام نبوت] آنان، یهودی یا نصرانی بودند. بگو: آیا شما داناترید یا خداوند؟ و ستمکارتر از کسی که گواهی بر حقیقتی را که از سوی خدا نزد اوست پنهان کند کیست؟ و خداوند از آنچه انجام می‌دهید بی‌خبر نیست (۱۴۰) آنان گروهی بودند که درگذشتند، آنچه [از عمل] به‌دست آوردند ویژه خود آنان است، و آنچه شما به دست آوردید اختصاص به خودتان دارد، و شما در برابر آنچه آنان انجام می‌دادند مورد بازخواست نخواهید بود (۱۴۱)

به زودی برخی از مردم ابله می‌گویند: چه چیزی مسلمانان را از قبله‌ای [چون بیت‌المقدس] که [در عباداتشان] به سوی آن بودند برگرداند؟ بگو مالکیت مشرق و مغرب فقط ویژه خداست، هر که را بخواهد به راه مستقیم هدایت می‌کند (۱۴۲) همچنین شما را امتی معتدل و میانه‌رو قرار دادیم تا [با دوری از افراط و تفریط] بر مردم گواه و حجت باشید، و پیامبر هم گواه و حجت بر شما باشد، و ما قبله‌ای [چون بیت‌المقدس را] که [در عبادات] به سوی آن بودی قرار ندادیم مگر برای این که کسی را که از پیامبر پیروی می‌کند از کسی که [با تغییر قبله] از اسلام بازمی‌گردد [و بر تعصب جاهلانه‌اش اصرار دارد] مشخص نماییم، قطعاً [این تغییر قبله] جز بر کسانی که خداوند هدایتشان کرده گران و سخت بود، و خداوند بر آن نیست که عملکرد ایمانی شما را [که یکی از ثمراتش سال‌ها نماز خواندن به طرف بیت‌المقدس بود] تباه کند؛ زیرا خداوند به مردم بسیار مهرورز و مهربان است (۱۴۳) ما روی آوردن [بسیار] تو را به سوی آسمان [به امید نزول فرشته وحی برای تغییر قبله] می‌بینیم، مسلماً تو را به سوی قبله‌ای که به آن خشنود شوی برمی‌گردانیم، اکنون رویت را به سوی مسجد الحرام بگردان، و [شما ای مسلمانان!] هر جا که باشید روی خود را به سوی آن بگردانید، قطعاً اهل کتاب می‌دانند که تغییر قبله از سوی پروردگارشان کاری برحق است؛ [زیرا در تورات و انجیل خوانده بودند که پیامبر اسلام به سوی دو قبله نماز خواهد خواند،] و خداوند از آنچه انجام می‌دهند بی‌خبر نیست (۱۴۴) سوگند [به حق!] اگر برای اهل کتاب هر دلیل روشنی بیاوری از قبله تو [به علت لجاجت و عنادشان] پیروی نمی‌کنند، و تو نیز [پس از قبله شدن کعبه] پیرو قبله آنان نخواهی بود، و یهود و نصاری [که هر یک مدعی قبله خاصی برای خود هستند] از قبله یکدیگر پیروی نخواهند کرد، اگر پس از دانش کاملی که [چون قرآن] برایت آمده از خواسته‌های [نامشروع] آنان پیروی کنی مسلماً از ستمکاران خواهی بود (۱۴۵)

اهل کتاب همان گونه که پسرانشان را می شناسند پیامبر اسلام را [بر اساس اوصافی که از او در تورات و انجیل خوانده اند] می شناسند، یقیناً گروهی از آنان حق را درحالی که به آن آگاهند پنهان می دارند (۱۴۶) [ای امت اسلام! این دستور] حق [تغییر قبله از بیت المقدس به سوی کعبه] از سوی پروردگار شما است؛ بنابراین از تردیدکنندگان در این مسئله مباشید (۱۴۷) برای هر گروهی قبله ای است که خداوند گرداننده روی آنان [به سوی آن قبله] است، پس [به جای نزاع و کشمکش درباره قبله] به سوی کارهای خیر پیشی جوئید، خداوند همه شما را هر جا که باشید [به صحرای محشر] می آورد، مسلماً خداوند بر هر کاری تواناست (۱۴۸) از هر جا [برای سفر یا کار دیگر] بیرون رفتی [در حال اقامه نماز] رویت را به سوی مسجدالحرام بگردان! بی تردید این فرمان از نزد پروردگارت فرمانی حق است، و خداوند از آنچه [شما مردم] انجام می دهید بی خبر نیست (۱۴۹) [آری ای پیامبر!] از هر جا بیرون شدی رویت [را برای اقامه نماز] به سوی مسجدالحرام بگردان، و [شما ای مسلمانان!] هر جا که باشید رویتان را [در حال نماز] به سوی آن بگردانید تا برای مردم [که بر اساس تورات از تغییر قبله خبر دارند] بر ضد شما حجت و بُرهانی نباشد، جز کسانی از آنان که [به آیات خدا] ستم ورزیده اند؛ بنابراین از [تبلیغات ناروای] اهل کتاب [بر ضد خود و احکام حق و به ویژه تغییر قبله] نترسید، بلکه از [مخالفت با احکام] من بترسید، و [تغییر قبله] برای آن است که نعمتم را بر شما کامل کنم تا به هدایت راه یابید (۱۵۰) همان گونه [که تغییر قبله کامل کردن نعمتم بود، این حقیقت هم نعمتی کامل برای شماست] که در بین شما رسولی از خودتان فرستادیم که همواره آیات ما را برایتان تلاوت می کند، و شما را [از آلودگی های اعتقادی و اخلاقی و عملی] پاک می سازد، و قرآن و معارف استوار و سودمند را به شما تعلیم می دهد، و آنچه را [از علوم] نمی دانستید به شما می آموزد (۱۵۱) [چنانچه خوش بختی دنیا و آخرت را می خواهید] مرا [به عنوان معبود حقیقی قلباً] مورد توجه قرار دهید، تا [با پاداش ویژه ام] شما را مورد عنایت خاص خود قرار دهم، و نیز مرا [که نعمت رسالت پیامبر و تغییر قبله را به شما دادم] سپاس گذاری کنید، و به کفران [نعمت] روی نیاورید (۱۵۲) ای اهل ایمان! [برای حل مشکلات و مصونیت از آلودگی ها و رسیدن به رحمت خداوند] از شکیبانی و نماز کمک بخواهید؛ زیرا خداوند با شکیبایان است (۱۵۳)

و به آنان که در راه خدا کشته می‌شوند مرده نگویید، بلکه [شهیدان] زنده‌اند ولی شما [کیفیت زنده‌بودنشان را] درک نمی‌کنید! (۱۵۴) مسلماً شما را به چیزی از ترس، گرسنگی، کاهش اموال و جان‌ها و نیز محصولات نباتی، یا ثمرات باغ زندگی چون فرزندانان [آزمایش می‌کنیم] تا مشخص شود چه کسی در برابر هجوم بلاها دیندار می‌ماند، و چه کسی طاقت نیاورده، دین‌گریز می‌شود، [و توای پیامبر!] صبرکنندگان را بشارت ده (۱۵۵) همان کسانی که چون مصیبتی [سخت] به آنان رسد می‌گویند: «إِنَّا لِلَّهِ و إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» [ما مملوک خداییم و بی‌شک به سوی او بازمی‌گردیم] (۱۵۶) آنان هستند که درودها و رحمتی [ویژه] از سوی پروردگارشان برای آنان است، و هم آنان راه‌یافتگان [به صراط مستقیم] اند (۱۵۷) مسلماً صفا و مروه از نشانه‌های خداست، پس کسی که حج خانه کعبه کند یا عمره انجام دهد بر او باکی نیست که فاصله میان آن دو را بپیماید، و کسی که [به خواست خودش افزون بر واجبات حج،] کار نیکی [چون حج و عمره مستحب] به جای آورد، قطعاً خداوند [در برابر عمل او] پاداش دهنده، و [به وضعیت او] داناست (۱۵۸) یقیناً کسانی که آنچه را ما از دلایل آشکار و مایه هدایت نازل کردیم، پس از آن که همه آن‌ها را در کتاب آسمانی برای مردم روشن ساختیم پنهان می‌کنند [تا مردم به حقایق الهیه ایمان نیاورند]، خداوند لعنتشان می‌کند و لعنت‌کنندگان هم آنان را لعنت می‌کنند (۱۵۹) مگر کسانی که روی به توبه آوردند و [مفاسد خود را] اصلاح کردند، و [آنچه را از حقایق پنهان کرده بودند برای مردم] روشن ساختند، در نتیجه توبه آنان را می‌پذیریم؛ زیرا من بسیار توبه‌پذیر و مهربانم (۱۶۰) آنان که منکر [حقایق آسمانی] شدند و در حال انکار از دنیا رفتند، لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر آنان باد! (۱۶۱) در آن لعنت [که محرومیت از رحمت خداست] جاودانه‌اند، نه عذاب از آنان سبک می‌شود، و نه مهلتشان می‌دهند [تا عذرخواهی کنند] (۱۶۲) معبود شما معبودی یگانه است، جز او هیچ معبودی وجود ندارد، رحمتش بی‌اندازه و مهربانی‌اش همیشگی است (۱۶۳)

مسلماً در آفرینش آسمان‌ها و زمین، و رفت و آمد شب و روز، و کشتی‌هایی که در دریاها [با جابه‌جا کردن مسافر و کالا] به سود مردم روانند، و بارانی که خداوند از آسمان به زمین فرود آورده و به وسیله آن زمین را پس از مردنش زنده ساخته، و در آن از هر نوع جنبنده‌ای پخش کرده، و جابه‌جا کردن بادها و ابرهای به کار گرفته‌شده میان آسمان و زمین، نشانه‌هایی [از قدرت و ربوبیت و رحمت خدا] است برای گروهی که می‌اندیشند (۱۶۴) برخی از مردم غیر خدا را [برای پرستیدن] انتخاب می‌کنند که آن‌ها را چنان دوست دارند که سزاوار است خدا را آن‌گونه دوست داشته باشند! ولی مؤمنان محبتشان به خداوند [چون او را کلیددار هستی می‌دانند] از هر چیز بیشتر است. آنان که [با انتخاب معبودهای باطل و پوچ] ستم روا داشتند وقتی عذاب را ببینند قاطعانه خواهند فهمید که همه قدرت ویژه خداست، و خداوند [بر این محبوب‌ماندگان از توحید،] سخت‌کیفر است (۱۶۵) در آن هنگام پیشوایان [شرک و بت‌پرستی] از پیروانشان بی‌زاری می‌جویند، و همگی عذاب را می‌بینند، و راه چاره بر آنان بسته می‌شود (۱۶۶) و آنان که [به جای خدا از پیشوایان شرک و کفر] پیروی کردند می‌گویند: ای کاش برای ما بازگشتی [به دنیا] بود! تا ما هم از آنان [و فرهنگ باطلشان] بی‌زاری می‌جستیم، همان‌گونه که اینان [در این عرصه قیامت] از ما بی‌زاری جستند، خداوند به این صورت اعمالشان را که برای آنان مایه حسرت‌هاست به ایشان نشان می‌دهد، و اینان هرگز از آتش بیرون‌آمدنی نیستند (۱۶۷) ای مردم! از آنچه [از انواع میوه‌ها و خوراکی‌ها] در زمین است درحالی‌که برای شما حلال و دلپذیر قرار داده شده بخورید، و از گام‌های شیطان [که انواع محرّمات است] پیروی نکنید؛ زیرا او دشمن آشکار شما است (۱۶۸) او شما را فقط به بدکرداری و کارهای بسیار زشت فرمان می‌دهد، و این که [وادارتان می‌کند جاهلانه،] اموری را [به عنوان حلال و حرام] به خدا نسبت دهید (۱۶۹)

چون به آنان [که مشرک و کافرند] گویند از آنچه خدا نازل کرده پیروی کنید، می‌گویند: [نه!] بلکه از آیینی که پدرانمان را بر آن یافتیم پیروی می‌کنیم. آیا اگر پدرانشان چیزی نمی‌فهمیدند، و راه [حق را به سبب کوردلی] نیافتند [باز هم از آنان پیروی می‌کنند] (۱۷۰) مَثَلِ [دعوت‌کننده] کافران [به ایمان] مانند کسی است که بر حیوانی [برای نجات‌دادنش از خطر] بانگ می‌زند، ولی آن حیوان جز آوا و صدایی [که مفهومی را درک نمی‌کند] نمی‌شنود، کافران [از شنیدن حقایق،] کر و [از گفتن و پرسش از واقعیت‌ها،] لال و [از دیدن نشانه‌های قدرت الهی] کورند، به این سبب اهل اندیشه نیستند (۱۷۱) ای اهل ایمان! از [انواع میوه‌ها و] خوردنی‌های دلپذیر که روزی شما کرده‌ایم بخورید، و از خدا سپاس‌گزاری کنید اگر فقط او را می‌پرستید (۱۷۲) جز این نیست که [خداوند دانای مهربان برای مصون‌ماندنتان از زیان‌های جسمی و روحی] مردار، خون، گوشت خوک و حیوانی را که هنگام ذبح نام غیر خدا بر آن برده شده بر شما حرام کرده است، پس کسی که [برای نجات جاننش از خطر، به خوردن آن‌ها] ناچار شود درحالی‌که خواهان لذت نباشد و از حد لازم تجاوز نکند گناهی بر او نیست؛ زیرا خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است (۱۷۳) قطعاً کسانی که آنچه را خداوند [از احکام] به عنوان کتاب [آسمانی] نازل کرده [به خاطر سود نامشروع خود، از مردم] پنهان می‌کنند، و در برابر این [پنهان‌کاری] همواره بهای اندکی را نصیب خود می‌کنند جز آتش در شکم‌های خود نمی‌ریزند، خداوند روز قیامت با آنان سخن نمی‌گوید، و [از گناهان] پاکشان نمی‌سازد، و برای آنان عذابی دردناک است (۱۷۴) آنان کسانی هستند که گمراهی را به‌جای هدایت، و عذاب را به‌جای آموزش به‌دست آوردند، [شگفتا!] چه اندازه بر آتش دوزخ شکیبایند (۱۷۵) آن [عذاب] به این علت است که خداوند کتاب [آسمانی] را به درستی و راستی [برای هدایت همه مردم] نازل کرد، [ولی اینان آن را از زندگی حذف، و در انکارش کوشیدند و مایه اختلاف قرارش دادند،] و مسلماً آنان که در [معانی و مفاهیم] کتاب اختلاف کردند [تا حقایق آن از مردم پنهان بماند] در دشمنی عمیقی [نسبت به حق و حقیقت] قرار دارند (۱۷۶)

نیکی [محدود به] این نیست که روی خود را [برای عبادت] به سوی مشرق و مغرب کنید؛ بلکه نیکی وجود [والای] کسانی است که به خدا، روز قیامت، فرشتگان، کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان [استوار] آورده‌اند، و دارایی [خود] را با آن که دوست دارند به خویشان و یتیمان و درماندگان، و در راه مانده بی‌زاد و توشه، و تهیدستانی که درخواست کمک دارند و در راه [آزادی] بردگان می‌پردازند، و نماز را [با شرایط ویژه‌اش] برپا می‌دارند و زکات می‌پردازند، و چون پیمان ببندند به پیمان خود وفا می‌کنند، و در سختی‌ها و تنگدستی و هنگام پدید آمدن صدمه و آسیب [یعنی جنگ] شکیبایی، اینانند که [در ادعای دینداری] راستگویند، و اینانند که به شدت نگهداران خود [از طغیان و تبهکاری] اند (۱۷۷) ای مؤمنان! در مورد کشته‌شدگان، قصاص بر شما مقرر شده است؛ آزاد در برابر آزاد، برده در برابر برده، زن در برابر زن. پس کسی که [مرتکب قتل شده چنانچه] از سوی برادر دینی‌اش [که ولی مقتول است] مورد چیزی از عفو قرار گرفت [که به جای قصاص، خون بها پردازد] پس رعایت کردن روش پسندیده [در باره وضع مادی قاتل که چه اندازه پردازد، بر عهده عفوکننده از قصاص است]، و [قاتل، مسئول] پرداخت خون بها با نیکی و خوشرویی است. این [حکم خون بها] تخفیف و رحمتی است از سوی پروردگارتان، پس هر که بعد از چشم‌پوشی از قصاص، تجاوز کند [و به کشتن قاتل برخیزد] برای او عذابی دردناک است (۱۷۸) ای خردمندان! برای شما در قصاص مایه حیاتی ویژه است، و [حکم قصاص] برای این است که [از هرگونه تجاوز و امور غیر شرعی] بپرهیزید (۱۷۹) بر شما مقرر شده چون یکی از شما را مرگ فرارسد اگر مالی از خود به جا گذاشته، به صورتی پسندیده برای پدر و مادر و خویشان وصیت کند، این حقی است بر عهده کسانی که خود نگهدار از محرّمات اند (۱۸۰) آنان که پس از شنیدن وصیت، در آن تغییری دهند گناهش فقط بر عهده تغییردهندگان است، یقیناً خداوند شنوا [ای کلام وصیت‌کننده]، و دانا [ای به اعمال تغییردهندگان وصیت] است (۱۸۱)

کسی که از انحراف نا آگاهانه وصیت کننده [در مورد حقوق ورثه]، یا انحراف آگاهانه او [مبنی بر وصیت به امور نامشروع] بترسد، و بین ورثه [با تغییر دادن وصیت بر اساس احکام دین] اصلاح دهد گناهی بر او نیست، همانا خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است (۱۸۲) ای مؤمنان! روزه بر شما واجب شده همان گونه که بر پیشینیان شما واجب شده بود، [فلسفه وجوب روزه این است که] تا [شما با] مساک در ماه رمضان [به [روحیه] پرهیز [خودنگهداری از محرّمات] آراسته شوید (۱۸۳) [در] روزهایی چند و اندک [روزه بگیرد] پس هر که از شما بیمار یا در سفر باشد [به تعداد روزه‌های از دست رفته] از روزه‌های غیر [رمضان] روزه بگیرد، و بر کسانی که روزه گرفتن بر آنان طاقت فرساست، کفاره آن طعام دادن به یک نیازمند [به جای هر روزه از دست رفته] است، و هر کس به خواست خودش [افزون بر کفاره واجب] به طعام نیازمند بیفزاید [برایش خیر [بیشتری] است، و روزه گرفتن [هر چند دشوار باشد] اگر [پاداش و آثار معنوی اش را] بدانید برای شما بهتر است (۱۸۴) [آن روزه‌های چند و اندک که روزه در آن واجب گشته] ماه رمضان است؛ ماهی که قرآن در آن نازل شده؛ [قرآنی که] هدایتگر مردم و در بردارنده دلایلی روشن از هدایت، و میزان تشخیص [حق از باطل] است، پس کسی که در این ماه [در وطنش] حاضر باشد باید همه ماه را روزه بگیرد، و آن که بیمار یا در سفر است [به تعداد روزه‌های از دست رفته] روزه‌های غیر [رمضان] را روزه بدارد، [حکم قضای روزه به این صورت به سبب این است که] خداوند برای شما آسانی می‌خواهد نه سختی، و به خاطر این است که [با گرفتن روزه‌های از دست رفته،] تعداد [روزه‌های رمضان] را کامل کنید، و خدا را به پاس آن که شما را [به حقایق] راهنمایی کرده به عظمت و بزرگی ستایش کنید، و نیز برای این که [به سبب این نعمت کم نظیر] سپاس گزار باشید (۱۸۵) چون بندگانم از تو درباره من بپرسند، [بگو]: یقیناً من نزدیکم! دعای دعاکننده را وقتی مرا بخواند اجابت می‌کنم؛ پس باید [خواسته‌های] مرا [عملاً] اجابت کنند، و به من ایمان بیاورند تا [به راه مستقیم] راه یابند (۱۸۶)

آمیزش با همسرانتان در شبِ روزهایی که روزه‌دار هستید بر شما حلال شد، آنان برای شما لباس [عفافِ معنوی]، و شما هم برای آنان پوشش [عفافِ معنوی] هستید، خدا آگاه بود که شما [پیش از حلال شدنِ آمیزش در شبِ رمضان] برای آمیزش به خود حيله زده و توبه می‌کردید پس توبه شما را پذیرفت و از شما گذشت کرد، اکنون [آزادید که] با همسرانتان آمیزش کنید، و آنچه را خداوند [در این کار از پاکدامنی و فرزند صالح] برای شما مقرر داشته از او بخواهید، و بخورید و بیاشامید تا رشتهٔ سپیدِ صبح از رشتهٔ سیاهِ شب برای شما آشکار شود، سپس روزه را تا شب به پایان برید! با همسرانتان درحالی که در مساجد معتکف هستید آمیزش نکنید! این‌ها حدود خداست، در حفظ آن‌ها بکوشید، خداوند به این صورت آیاتش را برای مردم بیان می‌کند تا [با عمل به آن‌ها] به [روحیه] پرهیز [خودنگهداری از محرّمات] آراسته شوند (۱۸۷)

اموال یکدیگر را در بین خود به صورت نامشروع نخورید! و آن را [به عنوان رشوه] برای قاضیان دادگاه‌ها نفرستید تا بخشی از اموال مردم را [با توسل به حکم ظالمانهٔ قاضیان] بخورید، درحالی که [حرام بودن خوردنِ اموال دیگران را] می‌دانید (۱۸۸) از تو دربارهٔ هلال‌های ماه می‌پرسند، بگو: آن‌ها وسیلهٔ تعیین اوقات [برای نظام زندگی] مردم، و [تعیین زمان] مراسم حج است. و نیکی آن نیست که به خانه‌ها [برخلاف متعارف] از پشت آن‌ها وارد شوید، بلکه نیکی، [وجود والای] کسی است که از هر گناهی خود را حفظ می‌کند، به خانه‌ها از درهای آن‌ها وارد شوید، و خودنگهدار از محرّمات باشید تا سعادتمند شوید (۱۸۹) و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند بجنگید، و [هنگام جنگ از مقررات الهی] تجاوز نکنید که خدا متجاوزان را دوست ندارد (۱۹۰)

و آنان را [که از کفر و ستم باز نمی‌ایستند] هرکجا یافتید بکشید، و از جایی که شما را بیرون کردند بیرونشان کنید! و فتنه [شرک و بیرون کردن مردم از وطنشان]، از کشتار بدتر است، و کنار مسجدالحرام با آنان نجنگید مگر آن‌که در آن‌جا با شما بجنگند، پس اگر با شما وارد جنگ شدند آنان را بکشید که کیفر کافران همین است (۱۹۱) اگر [از فتنه‌گری و جنگ] بازایستند مسلماً خدا [به آنان] بسیار آمرزنده و مهربان است (۱۹۲) و با آنان بجنگید تا فتنه‌ای بر جای نماند، و دین [و طاعت] ویژه خدا باشد [و در حاکمیت شیاطین نابود گردند]، نهایتاً اگر بازایستند [شما از جنگ بازایستید! و از آن پس] تجاوز جز بر ضد ستمکاران روا نیست (۱۹۳) ماه حرام در برابر ماه حرام است، [اگر دشمن حُرمت آن را رعایت نکرد و با شما در ماه حرام جنگید شما هم با او بجنگید!] و همه حُرمت‌ها دارای [قانون] قصاص [و انتقام] است؛ بنابراین هرکه به شما تجاوز و ستم کرد شما هم به مانند او به وی تجاوز کنید! و در این مسئله خود را از محرمات خدا حفظ کنید، و بدانید که خدا با کسانی است که خودنگهدار از محرمات‌اند (۱۹۴) و در راه خدا انفاق کنید، و [با ترک این کار پسندیده یا هزینه کردن مال در راه نامشروع]، خود را به هلاکت نیندازید! و نیکی کنید که مسلماً خدا نیکوکاران را دوست دارد (۱۹۵) حج و عمره را برای خدا به پایان برسانید! و اگر [دشمنان]، شما را از انجام آن بازداشتند آنچه را از قربانی برای شما میسر است [قربانی کرده، از احرام درآید]، و سر خود را نتراشید تا قربانی به محلش برسد، و اگر کسی از شما بیمار بود یا در سرش آسیبی قرار داشت [و چاره‌ای جز تراشیدن سر نداشت بتراشد، و به این سبب] کفاره‌ای چون روزه یا صدقه یا قربانی بر عهده اوست، و زمانی که [از مانع شدن دشمن] در امان قرار گرفتید پس هرکه با پایان بردن عمره تمتع به سوی حج تمتع رود آنچه از قربانی میسر است [قربانی کند]، و کسی که قربانی نیابد سه روز روزه در [همان سفر] حج، و هفت روز روزه هنگامی که به وطن بازگشتید بر عهده اوست، این ده روز کامل است [و قابل کم و زیاد شدن نیست]، این وظیفه کسی است که [خود و] خانواده‌اش ساکن منطقه مسجدالحرام نباشند. و در این مسئله خود را از محرمات خدا حفظ کنید و بدانید که خدا [نسبت به متجاوزان از حدود] سخت‌کیفر است (۱۹۶)

حج در ماه‌های معینی است [شَوَّال، ذُو الْقَعْدَةِ وَ ذُو الْحِجْجَةِ] پس کسی که عمره تمتع را [از اول شَوَّال تا نهم ذُو الْحِجْجَةِ] و حج تمتع را [از نهم ذُو الْحِجْجَةِ تا دوازدهم آن با إِحْرَامِ بَسْتَن و تَلْبِيهِ گفتم] بر خود واجب کرد بداند که در حج آمیزش [با همسران] و خروج از اطاعت خدا و گفت‌وگوی توأم با نزاع و دشمنی جایز نیست، و آنچه از کار خیر انجام دهید خدا به آن داناست، و [به سود خود] توشه بگیرید که بهترین توشه، خودنگهداری از محرّمات است. و ای خردمندان! خود را از محرّمات حفظ کنید (۱۹۷) بر شما باکی نیست که [در ایام حج] از پروردگارتان رزق و منافع مادی بخواهید، و چون از عرفات کوچ کردید خدا را در مشعرالحرام یاد کرده، [قبلاً مورد توجه قرار دهید، آری] او را یاد کنید همان‌گونه که شما را [با فضل و رحمتش] از هدایت برخوردار کرد؛ گرچه پیش از این از گمراهان بودید (۱۹۸) آن‌گاه از همان جایی که مردم [به سوی منی] می‌روند شما هم بروید، و از خداوند آمرزش بخواهید؛ زیرا خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است (۱۹۹) چون مناسک خود را به پایان بردید خداوند را آن‌گونه که پدرانان را یاد می‌کنید یا بهتر از آن یاد کنید، [در این میان] گروهی از مردم [که از آثار پایدار جهان دیگر غافل هستند] می‌گویند: پروردگارا! به ما در دنیا [متاع و مال] عطا کن، درحالی‌که آنان را [به سبب این غفلت] در آخرت هیچ بهره‌ای نیست (۲۰۰) و گروهی از مردم می‌گویند: پروردگارا! به ما در دنیا از هرگونه خیر [و خوبی]، و در آخرت هم از هر نوع خیر [و ثواب] عطا کن، و ما را از عذاب آتش نگهدار (۲۰۱) اینانند که از دست آوردشان [از انجام مناسک و دعای خالصشان] بهره [فراوانی] دارند، و خداوند در حسابرسی سریع است (۲۰۲)

خدا را در روزهای معین [یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ذو الحججه که ایام وقوف در مینی است] یاد کنید، پس هرکه در طول دو روز، [واجبات مینی را انجام دهد و به کوچ کردن از آن] شتاب ورزد، گناهی بر او نیست، و هرکه [تا روز سوم، کوچ کردنش را] به تأخیر اندازد بر او هم گناهی نیست، [اختیار کردن وقوف در مینی چه در دو روز، چه در سه روز] برای کسی است که [از همه محرّماتِ إحرام] اجتناب کرده باشد. در این مسئله خود را از محرّمات خدا حفظ کنید! و بدانید که همه شما مسلماً به سوی او محشور خواهید شد (۲۰۳) و از مردم کسی است که گفتارش درباره زندگی دنیا [و نقشه‌هایش] برای تو بسیار خوش آیند است، او [برای نشان دادن صداقتش] خدا را بر آنچه در دل دارد شاهد می‌گیرد، در حالی که [خداوند از دلش آگاه است که] او [قلبا] سرسخت‌ترین دشمن [تو و مسلمانان] است (۲۰۴) چون [چنین دشمنی] قدرت و حکومت یابد، می‌کوشد که در زمین تباهی و فتنه‌گری به بار آورد، و زراعت و نسل را [با ستم فراوانش] نابود سازد؛ خداوند تباهی و فتنه‌گری را دوست ندارد (۲۰۵) چون به او گویند: خود را از محرّمات الهی نگهدار، غرور و سرسختی‌اش وی را به گناه وامی‌دارد، پس دوزخ او را بس است، و قطعاً بد جایگاهی است! (۲۰۶) و از مردم کسی [چون علی بن ابی طالب علیه السلام] است که جانش را برای به‌دست آوردن خشنودی خدا می‌فروشد، و خداوند به بندگان بسیار مهرورز است (۲۰۷) ای اهل ایمان! همگی به عرصه تسلیم [در برابر خدا] درآید، و از گام‌های شیطان پیروی نکنید که او بی‌تردید، دشمن آشکار شما است (۲۰۸) چنانچه بعد از آن که دلایل روشن برای شما آمد بلغزید [و به انواع گناهان روی آرید] بدانید که خدا [در انتقام از شما،] توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است (۲۰۹) آیا [پیروان شیطان] جز این [مسائل را به عنوان محرک] ایمان آوردن به قیامت [انتظار دارند که] عذاب خدا و فرشتگان [مأمور عذاب] در سایبان‌هایی از ابر به سوی آنان آیند، و کار [نابودی آنان] پایان یابد؛ بدون شک همه کارها به سوی خداوند بازگردانده می‌شود (۲۱۰)

از بنی اسرائیل پیرس [تا اقرار کنند] چه بسیار معجزات و آیات روشن [و نعمت‌ها] به آنان عطا کردیم، هرکس پس از این که نعمت‌های ویژه خداوند به او رسید آن‌ها را [به کفر و تفرقه‌افکنی] تغییر دهد بدانند که خداوند سخت‌کیفر است (۲۱۱) زندگی [زودگذر] دنیا را برای کافران آراسته جلوه داده‌اند، به این علت همواره مؤمنان [تهیدست از متاع دنیا] را مسخره می‌کنند، درحالی که مؤمنانی که خودنگهدار از محرمات‌اند در روز قیامت [از هر جهت] از کافران برترند، و خداوند هرکس را بخواهد بی حساب روزی می‌دهد (۲۱۲) مردم [در شروع زندگی] گروهی واحد [و یکدست] بودند [و اختلافی میانشان نبود، پس از پدید آمدن اختلاف]، خداوند پیامبرانی مژده‌دهنده و بیم‌رسان برانگیخت، و با آنان بر پایه درستی و راستی کتاب نازل کرد تا در بین مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند داوری کند، [کتاب‌های آسمانی وحدت‌آفرین را با تحریف، عامل اختلاف قرار دادند]، و در [محتویات] آن اختلاف نکردند مگر کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده شد، این اختلاف پس از دلایل روشنی بود که برای آنان آمد، و سبب حسد و تجاوزگری در بین خودشان بود، در نهایت خداوند اهل ایمان را به خواست خود درباره حقی که مورد اختلاف بود هدایت کرد، و خداوند هرکه را بخواهد [در صورتی که لیاقت نشان دهد] به راه مستقیم هدایت می‌کند (۲۱۳) آیا پنداشته‌اید درحالی که هنوز [حادثه‌هایی] مانند [حوادث زندگی] گذشتگان برای شما پیش نیامده وارد بهشت شوید؟! به آنان سختی‌ها و تنگدستی رسید تا جایی که پیامبر و کسانی که همراه او ایمان آورده بودند [در مقام تضرع و زاری] می‌گفتند: یاری خداوند چه زمانی خواهد بود؟ [به آنان مژده داده شد که] آگاه باشید یاری خداوند نزدیک است (۲۱۴) از تو می‌پرسند چه چیز انفاق کنند؟ بگو: هر مال و کالای سودمندی که انفاق می‌کنید [بهتر این است که] به پدر و مادر، نزدیکان، یتیمان، نیازمندان، و در راه مانده بی‌زاد و توشه انفاق کنید، و هر کار نیکی انجام دهید خداوند به آن داناست (۲۱۵)

بر شما جنگ [با دشمن] مقرر شده؛ گرچه برایتان خوشایند نیست، بسا چیزی را خوش ندارید درحالی که برای شما خیر است، و بسا چیزی را دوست دارید و حال آن که برای شما مایهٔ زیان است، خداوند [مصلحت شما را در همهٔ امور] می‌داند و شما نمی‌دانید (۲۱۶) از تو دربارهٔ جنگ در ماه حرام می‌پرسند، بگو: جنگ در آن ماه [گناهی] بزرگ است، ولی [هر نوع] بازداشتن [مردم] از راه خدا، و کفرورزی به او، و [مانع شدن مردم از ورود به] مسجدالحرام [و آواره کردن] و بیرون راندن اهلش از آن، نزد خدا بزرگ‌تر [از جنگ در ماه حرام] است. قطعاً فتنه [که کفر و ستم بر مردم است گناهِش] از کشتار مردم بزرگ‌تر است. و [مشرکان و کافران] همواره با شما می‌جنگند تا اگر بتوانند شما را از دینتان [که اسلام الهی است] برگردانند، کسانی از شما که از دینشان برگردند و در حال کفر بمیرند همهٔ اعمال [خوب] شان در دنیا و آخرت تباه [و بی‌اثر] گشته [بر باد می‌رود]، چنین مردمی [که به آسانی دین حق را از دست می‌دهند و به فرهنگ کفر و شرک بازمی‌گردند] اهل آتشند، و در آن جاودانه‌اند (۲۱۷) یقیناً اهل ایمان و کسانی که [از دیار کفر به دار الإسلام] هجرت کرده و در راه خدا به جهاد برخاستند به رحمت خداوند امید دارند؛ و خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است (۲۱۸) از تو دربارهٔ مست‌کننده [ها] و قمار می‌پرسند، بگو: در آن دو گناهی بزرگ است، [و ارتکابش شما را از فیوضات الهی محروم می‌کند]، و سودهایی [اندک از خرید و فروش خمر، و بُرد و باختِ قمار] برای مردم است، و گناه هر دو [که نابودکننده دین و دنیا است] از سودشان بیشتر است. و از تو می‌پرسند چه چیز انفاق کنند، بگو: از آنچه افزون بر نیاز است. خداوند این‌گونه آیات [و احکامش] را روشن بیان می‌کند تا [عمیقاً] بیندیشند (۲۱۹)

[اندیشه کردن] درباره [امور مربوط به] دنیا و آخرت [است] و از تو درباره یتیمان می پرسند، بگو: اصلاح امورشان [که در جهت بهره مندی آنان از زندگی است] بهتر [از کار دیگر] است، و اگر با یتیمان با این نگاه که برادران شمایند معاشرت کنید [کاری خداپسندانه است]، برای خداوند فتنه گران و اصلاح گران [در امور یتیمان] مشخص هستند، و اگر خدا می خواست شما را [در مسئولیت نسبت به یتیمان] به زحمت و مشقت می انداخت؛ زیرا او توانای شکست ناپذیر و حکیم است (۲۲۰) با زنان آلوده به [فرهنگ] شرک ازدواج نکنید تا به دین خدا مؤمن شوند، مسلماً کنیز باایمان از زن آلوده به شرک بهتر است؛ هرچند [زیبایی و ثروت] او شما را شیفته خود سازد، و زنان باایمان را به همسری مردان مشرک درنیاورید تا مؤمن [به اسلام] شوند، قطعاً برده مؤمن از مرد مشرک بهتر است؛ هرچند [جمال و مال و منال] او شما را خوش آید، آنان [که اسیر فرهنگ شرک هستند همه را] به سوی آتش می خوانند، و خداوند به مشیت خود به سوی بهشت و آمرزش دعوت می کند، و آیاتش را برای مردم بیان می کند تا همواره حقایق را به یاد آورند (۲۲۱) از تو درباره حیض می پرسند، بگو: حیض حالتی ناملایم [و در آمیزش مایه آسیب و زیان] است، پس در زمان حیض از [آمیزش با] زنان کناره گیری کنید و با آنان نزدیکی نکنید تا پاک شوند، چون پاک شدند از جایی که خداوند به شما دستور داده با آنان آمیزش کنید، یقیناً خداوند آنان را که بسیار توبه می کنند و کسانی که خود را به انواع پاکی ها می آریند دوست دارد (۲۲۲) زنان شما کشتزار شمایند، هر زمان و هرکجا که خواستید به کشتزار خود درآیید، و [پاکدامنی و تولید نسلی صالح، مایه های نیکی] برای خود پیش فرستید، و در این مسئله خود را از محرّمات خدا حفظ کنید، و بدانید که او را ملاقات خواهید کرد، و مؤمنان را [به پادشاه های جاوید] بشارت ده! (۲۲۳) خدا را در معرض سوگندهای خود قرار ندهید، به این که [به خداوند سوگند بخورید] که کار نیک انجام ندهید و خود را از محرّمات حفظ نکنید [؛ خداوند رضایت ندارد که نامش وسیله خودداری از کارهایی شود که خودش انجام آن ها را بر شما لازم دانسته]، خداوند شنوا [ی همه گفته ها] و دانا [ی به همه کارهای شما] است. (۲۲۴)

خداوند شما را به خاطر سوگندهای بیهوده مؤاخذه نمی‌کند، ولی شما را به سبب آنچه دل‌هایتان برای اجرای آن قصد حتمی داشته به عقوبت دچار می‌سازد؛ خدا بسیار آمرزنده و بردبار است (۲۲۵) برای آنان که سوگند می‌خورند که [آمیزش با] همسران خود را ترک کنند چهار ماه مهلت است، چنانچه [پس از این مهلت به آنچه مقتضای زناشویی است] بازگشتند [گناهی بر آنان نیست]؛ زیرا خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است (۲۲۶) و اگر [برای پایان یافتن مشکلاتشان] تصمیم به جدایی گرفتند [در صورت رعایت شرایط طلاق منعی نیست]، یقیناً خدا [به گفتار و نیت و کردارشان] شنوا و داناست (۲۲۷) زنان طلاق داده شده باید سه پاکی را [پس از عاداتهای ماهیانه] انتظار بکشند [و پیش از پایان یافتن سه پاکی، از ازدواج کردن اجتناب کنند]، و اگر به خدا و قیامت مؤمن هستند نباید آنچه را که خدا در رحم‌هایشان [از حیض یا جنین] به وجود آورده پنهان کنند [تا با این پنهان‌کاری، زمان عده را بر خلاف احکام دین تغییر دهند]، و شوهرانشان در مدت عده چنانچه خواهان سازش و صلح باشند به بازگرداندن آنان [به زندگی دوباره] سزاوارترند، و حقوق شایسته‌ای برای زنان [بر عهده مردان] است؛ به مانند حقوقی که برای مردان [بر عهده زنان] است، و مردان را بر زنان [به علت تدبیر امور زندگی، حقوق و] رتبه‌ای برتر است؛ خداوند [در قانون‌گذاری و استواری در کار]، توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است (۲۲۸) طلاق [که مرد در آن حق رجوع به همسرش را دارد] دوبار است، [شوهر در هر مرتبه از رجوع] باید [همسرش را] به صورتی شایسته نگاه دارد، یا [با رجوع نکردن]، او را با خوش‌رفتاری رها کند، و پس گرفتن آنچه به عنوان مهریه به آنان پرداخت کرده‌اید بر شما حلال نیست، مگر این‌که هر دو بترسند که [در ادامه‌دادن زندگی قوانین] خدا را رعایت نکنند، پس [شما ای حاکمان و قضات شرع!] اگر از رعایت نکردن مقررات حق از طرف آن دو نفر بیم داشته باشید، در مالی که زن [در برابر به‌دست آوردن طلاق و رهایی خود] بپردازد گناهی بر آنان نیست، این‌ها قوانین خداست، از آن‌ها تجاوز نکنید که مسلماً متجاوزان از قوانین خداوند ستمکارند (۲۲۹) پس اگر [بعد از دو طلاق و رجوع، بار سوم] زن را طلاق داد، دیگر پس از آن، [بازگرداندن] زن بر وی حلال نیست مگر آن‌که با مردی غیر از او ازدواج کند، اگر [شوهر جدید] او را طلاق داد بر زن و شوهر اولش گناهی نیست که [با عقد و مهریه دوباره] به یکدیگر بازگردند، البته در صورتی که امید داشته باشند قوانین خدا را [در روش همسررداری] رعایت کنند، این‌ها قوانین خداست که برای دانیان بیان می‌کند (۲۳۰)

هنگامی که زنان را طلاق دادید و به پایان مدت عده رسیدند، آنان را [با رجوع کردن] به صورتی پسندیده نگاه دارید، یا [با سرآمدن مدت عده] با خوش رفتاری رهایشان کنید، و [با رجوع به همسرانتان] به قصد آزار رساندن و زیان زدن [و تجاوز به حقوق الهی و انسانی آنان] نگاهشان ندارید، کسی که چنین کند [با مستحق شدن به عذاب دنیا و آخرت] به خود ستم کرده است، آیات خدا را به مسخره نگیرید، و نعمت خدا را بر خود و آنچه از کتاب و معارف استوار بر شما نازل کرده که شما را به آن پند می‌دهد به خاطر آورده [قلباً] مورد توجه قرار دهید، و در این امور خود را از محرمات خدا حفظ کنید، و بدانید که خداوند به همه چیز آگاه است (۲۳۱) [ای اولیای امور، و خویشان زن و شوهر!] چون زنان را طلاق دادید و به پایان عده خود رسیدند، آنان را از ازدواج با شوهران [سابق] خود در صورتی که بین خودشان به روشی پسندیده توافق کردند باز مدارید! با این [دستور و حکم]، کسانی از شما که به خدا و روز قیامت مؤمن هستند موعظه می‌شوند، این [دستورها و احکام] برای شما رشددهنده‌تر و پاکیزه‌تر است، خدا [مصلح شما را در همه امور] می‌داند و شما نمی‌دانید (۲۳۲) مادران باید فرزندان خود را دو سال کامل شیر دهند، [البته این دستور] برای کسی [است] که بخواهد دوران شیرخوردن کودک را کامل کند [و اگر مایل باشد می‌تواند از دو سال بکاهد]، تأمین خوراک و پوشاک مادران شیردهنده به صورت شایسته بر عهده پدر فرزند است، هیچ‌کس بیش از مقدار طاقتش مکلف به کاری نمی‌شود، نباید مادری به خاطر فرزندش زیان ببیند، و نه پدری به خاطر فرزندش دچار ضرر شود؛ [بر عهده پدر است که هزینه مادر و کودک را در حد متعارف بپردازد، و بر مادر است که بیش از قدرت مالی شوهر از او درخواست هزینه نکند]، و [چنانچه پدر کودک از دنیا برود] همانند آن، [یعنی هزینه همسر و کودک] بر عهده وارث است، و اگر پدر و مادر بر پایه توافق و مشورتشان بخواهند کودک را [پیش از دو سال کامل] از شیر بگیرند گناهی بر آنان نیست، و اگر بخواهید برای فرزندتان دایه بگیرید باکی بر شما نخواهد بود، البته در صورتی که هزینه دایه را به‌طور شایسته بپردازید، و در این مسئله خود را از محرمات خدا حفظ کنید و بدانید مسلماً خدا به آنچه انجام می‌دهید بیناست (۲۳۳)

از شما مردانی که از دنیا می‌روند و همسرانی بر جای می‌گذارند باید همسرانشان چهار ماه و ده روز انتظار بکشند [و این مدت را به عنوان عِدَّة وفات حفظ کنند]، چون به پایان عِدَّة وفات رسیدند در آنچه درباره خود به طور شایسته [برای ازدواج یا ترک آن] انجام دهند بر عهده شما [وارثانِ متوفی و اقوام زنان] گناهی نیست، خداوند بر آنچه انجام می‌دهید بیناست (۲۳۴) بر شما باکی نیست که با سخنانی کنایه‌آمیز [چون: من خوش‌معاشرتم، وفادار به زندگی خوب و، زن‌دوستم] از زنان [که در عِدَّة وفاتند] خواستگاری کنید، یا این کار را در باطن خود تصمیم بگیرید، خداوند می‌داند که شما به زودی [بر اساس میل فطری و به نیت تشکیل زندگی از ازدواج] با آنان سخن خواهید گفت، ولی در پنهان به آنان وعده ازدواج ندهید مگر این‌که گفتارتان [بدون صراحت و] متعارف باشد، و تصمیم به بستن عقد ازدواج نگیرید تا عِدَّة وفات پایان یابد، و بدانید هر [نیت و تصمیمی] در دل دارید خدا می‌داند، بنابراین، از مخالفت با او بپرهیزید و بدانید که خداوند بسیار آمرزنده و بردبار است (۲۳۵) بر شما گناهی نیست اگر زنان را [به دلایلی] پیش از آمیزش جنسی و عدم تعیین مهریه طلاق دهید، [در چنین وضعی بر شما لازم است] آنان را از کالای مناسب شأنشان بهره‌مند سازید، توانگر به اندازه توانایی‌اش، تنگدست به اندازه وضع مادی‌اش، این حقی واجب بر عهده نیکوکاران است (۲۳۶) و اگر آنان را پیش از آمیزش جنسی درحالی که مهریه برای آنان مقرر کرده‌اید طلاق دهید بر شما واجب است نصف مهریه تعیین شده [را به آنان بپردازید]، مگر خود آنان یا کسی [چون ولی یا وکیل او] که پیوند ازدواج به دست اوست آن را ببخشد، و گذشت [و جوانمردی] شما [که همه مهریه را به زن بپردازید] به پرهیزکاری نزدیک‌تر است، و گذشت و نیکوکاری بین خودتان را فراموش نکنید؛ یقیناً خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست (۲۳۷)

بر همه نمازها به ویژه نماز میانه [که بنا بر بعضی از روایات، نماز ظهر است،] محافظت کنید! و [هنگام عبادت،] فروتنانه برای خدا به پاخیزید! (۲۳۸) اگر [از دشمن یا پیش آمدهای خطرناک] بترسید، [نماز را] پیاده یا سواره [بخوانید!] و چون امنیت یافتید خدا را به شکر این که به شما آنچه را نمی دانستید آموخت [قبلاً] یاد کنید. (۲۳۹) کسانی از شما که مرگشان نزدیک می شود و همسرانی برجای می گذارند [لازم است] در مورد همسرانشان وصیت کنند که آنان را تا یک سال، بدون بیرون راندن از خانه، از کالا [ی مناسب زندگی] بهره مند سازند، اما اگر آنان [به اختیار خود] خانه را ترک کردند، در آنچه درباره خود [از ازدواج یا انتخاب شغل مشروع به صورتی شایسته] انجام دهند بر شما [وارثان نسبت به پرداختن هزینه به آنان] گناهی نیست، خداوند توانای شکست ناپذیر و حکیم است (۲۴۰) سزاوار است [از سوی شوهران] به صورتی شایسته کالا [و وسایل زندگی] به زنان طلاق داده شده پرداخت شود، این حقی است لازم بر عهده کسانی است که خود را در این مسئله از محرمات حفظ می کنند (۲۴۱) خداوند این گونه، احکام و قوانینش را به صورتی واضح بیان می کند تا [برای درک عمیق و شناخت دقیق آنها] بیندیشید (۲۴۲) آیا [داستان] کسانی [که در زمان های گذشته] از ترس مرگ از دیارشان بیرون رفتند در حالی که هزاران نفر بودند ندانستی؟ پس خداوند به آنان خطاب کرد: بمیرید! [و آنان بی درنگ مردند،] سپس آنان را زنده کرد [تا به قدرت خدا و زنده شدن مردگان در قیامت یقین کنند]، خداوند به مردم دارای احسان است؛ ولی بیشتر مردم سپاس گزار نیستند (۲۴۳) در راه خدا پیکار کنید! و بدانید که یقیناً خدا شنوا [ی گفتار شما] و دانا [ی به کردار شما] است (۲۴۴) کیست که برای [جلب خشنودی] خدا [به نیازمندان] قرض الحسنه بدهد تا خدا آن را برایش به چندین برابر افزایش دهد؟ و خداست که روزی را تنگ کرده، و توسعه می دهد، و همه شما را برای دریافت پاداش [به سوی او باز می گرداند] (۲۴۵)

آیا [داستان] آن گروه از سران و اشراف بنی اسرائیل را که پس از موسی بودند ندانستی؟ که به پیامبرشان گفتند: برای ما زمامداری انتخاب کن تا در راه خدا بجنگیم، پیامبرشان گفت: آیا احتمال نمی‌دهید اگر جنگ بر شما واجب شود اقدام به جنگ نکنید [و نافرمانی کنید]؟ گفتند: ما را چه شده که در راه خدا نجنگیم! درحالی که ما را از دیارمان و نزد فرزندانمان رانده‌اند. ولی چون جنگ بر آنان واجب شد همه آنان جز اندکی، از آن روی برتافتند، خداوند به [وضع و حال] ستمکاران آگاه است (۲۴۶) و پیامبرشان به آنان گفت: همانا خداوند طالوت را برای شما به زمامداری انتخاب کرد، گفتند: [شگفتا!] چگونه او را بر ما فرمانروایی باشد در صورتی که ما به این منصب از او سزاوارتریم، در حالی که به او ثروت فراوانی هم داده نشده. پیامبرشان گفت: خداوند او را بر شما برگزیده و وی را در دانش و قدرت جسمی فزونی داده، و خداوند [با توجه به رعایت مصلحت مردم] زمامداری را [از سوی خود] به هرکس که بخواهد عطا می‌کند؛ خداوند بسیار عطاکننده و داناست (۲۴۷) پیامبرشان [پس از این سخن] به آنان گفت: بی تردید نشانه زمامداری او این است که صندوق عهد، نزد شما خواهد آمد که برای شما آرامشی از سوی پروردگارتان در آن است، و نیز میراث و یادگارهایی که خاندان موسی و هارون به جا گذاشته‌اند در آن می‌باشد، و فرشتگان آن را حمل می‌کنند، یقیناً [در این واقعه] اگر مؤمن باشید معجزه و نشانه‌ای برای شماست [تا به سبب آن زمامداری طالوت را بپذیرید] (۲۴۸)

پس هنگامی که طالوت با سپاهیان [برای نبرد با دشمن] بیرون رفت [به آنان] گفت: مسلماً خداوند شما را به وسیله نهر آبی آزمایش می‌کند، هرکه از آن بنوشد از من نیست، و هرکه از آن نخورد از من است، مگر کسی که با دستش کفی آب بگیرد [که او نه از من است و نه مردود از لشگر]، پس همگی جز اندکی از آنان آب نوشیدند، چون او و همراهان مؤمنش از نهر گذشتند گفتند: امروز ما را قدرت مقابله با جالوت و سپاهیانش نیست، [ولی] آنان که به لقاء خداوند یقین داشتند [به کسانی که ارتش دشمن آنان را ترسانده بود] گفتند: چه بسا گروه اندکی که به خواست خدا بر گروهی بسیار پیروز شدند، و خدا با صابران است (۲۴۹) چون [طالوت و اهل ایمان] با جالوت و سپاهیانش روبرو شدند گفتند: پروردگارا! بر ما صبری ویژه فروریز! و گام‌هایمان را استوار ساز! و ما را بر گروه کافران پیروز گردان! (۲۵۰) پس [طالوت و لشگرش] دشمن را به خواست خدا شکست دادند، و داود، [آن جوان مؤمن نیرومند] جالوت را کشت، و خداوند به او فرمانروایی و حکمت [یعنی مقام نبوت] بخشید و از آنچه می‌خواست به داود آموخت، و اگر خداوند ستمکاری برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی‌کرد قطعاً زمین را تباهی و فتنه فرامی‌گرفت؛ ولی خداوند به جهانیان دارای احسان است (۲۵۱) این [حادثه‌ها] از نشانه‌های [ربوبیت و قدرت] خداست که به راستی و درستی بر تو می‌خوانیم، و مسلماً تو از جمله رسولانی (۲۵۲)